سیاست و حکومت در سیره امام جواد (ع)

زهرا شیخوند

چکیده

سیره پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، بر خلاف فراوانی ظاهری و وجود تفاوت در روش، از اصول ثابتی پیروی کرده است؛ زیرا در اسلام، سلسله اصولی حاکم است که به منزله روح تعلیمات دینی و دستورات کلی الهی شمرده می‌شوند و به هیچ صورت قابل تغییر نیستند. لذا این اصول، در کلام، سبک و سیره اهل‌بیت (علیهم السلام) برای مصالح کلی و نظام عالی بشریت، در همه دوران کاربردی هستند.

بنابراین، با چنین بینشی هدف بررسی ما در این پژوهش، وصف تحلیل و شناخت «سیاست و حکومت در سیره امام جواد (ع)» است. لذا به این سؤالات پرداخته می‌شود: ماهیت سیاست و حکومت در کلام امام جواد (ع) به چه معناست؟ در بیانات امام جواد (ع) آیا تشکیل حکومت امری ضروری است؟ اهمیت و جایگاه سیاست به چه نحو است؟ شاخص‌ترین چارچوب‌های حاکم بر سیاست و حکومت امام جواد (ع) با چه شیوه‌ای قابل‌طرح است و آیا متفاوت از دیگر حکومت‌هاست؟ آیا در این کلام، سبک، سیره و سخنان حکیمانه می‌توان اصول و قواعدی را جهت الگوبرداری حکومت‌های حاضر استخراج نمود؟

در بررسی جهت نظم در ساختار اثر و رعایت اصول علمی از پژوهش‌ها و منابع کتابخانه‌ای در کنار تحلیل‌های شخصی جهت کاربردی نمودن بهره‌گیری شده است.

در پایان می‌توان چنین نتیجه گرفت که گرچه امام جواد (ع) نیز هم‌چون سایر امامان حکومت تشکیل ندادند، اما سبک، سیره و کلام حضرت در این رابطه (سیاست و حکومت) کاملًا بر اساس

ص: ۲۹۷

سنجش دقیق شرایط حکومت ستمگر عباسی و سیاست‌های مزورانه آنان می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که علی‌رغم سن کم حضرت به هیچ‌وجه در کلام و سبک ایشان دوگانگی یا ناهماهنگی مشاهده نمی‌شود، بلکه هر یک از سخنان امام جواد (ع) پیرامون سیاست و حکومت، با مصداق عینی و خارجی حکومت عباسی و سیاست‌های غیراخلاقی ایشان قابل مشاهده است. لذا این سبک و سلوک نافذ و مانا، در باب سیاست و حکومت به لحاظ وسعت تفکر، آفاق اندیشه‌ورزی

ژرف، مسأله شناسی، زمان‌شناسی، بیداری و بینایی قابل‌تأمل است؛ زیرا حضرت با ارائه چارچوب‌هایی منسجم و هدفمند در این برخوردهای حکیمانه، آموزه‌ها، قواعد، دستورالعمل و شاخصه‌هایی را مطرح فرموده‌اند که سرشار از تعهد، تحول، خلاقیت و بصیرت می‌باشند که ره‌آورد آن برای مدیریت و سیاست‌گذاری در جامعه حاضر نیز قابل‌استخراج و بهره‌برداری است؛ زیرا این اندیشه و رفتارهای حاکم بر آن به لحاظ توحیدی بودن از تحولات شگفتی در تمامی عرصه‌ها و از آن جمله سیاست و حکومت برخوردار است و می‌تواند افق‌هایی در مدیریت سیاسی جامعه ما که حکومتی دینی است، جهت نیل به هدایت و نیز سعادت دنیوی و اخروی مردم ایجاد و ترسیم نماید.

واژگان کلیدی: سیاست، حکومت، سیره، سبک، امام جواد (ع)، جامعه حاضر، الگوبرداری.

مقدمه

بررسی سیره سیاسی- حکومتی امام جواد (ع) یکی از موضوعات و مباحثی است که در تاریخ شکوهمند زندگی ایشان، علی‌رغم سن کم، در قالب آموزه‌هایی ارزشمند بیش‌تر به آن پرداخته شده است. زیرا اهمیت شناخت و لزوم مطالعه این مباحث زمانی روشن می‌گردد که دانسته شود گروهی از تاریخ‌نویسان و نویسندگان قدیم و معاصر، گاه با گفته‌ها و اظهارنظرهای نادرست و یک‌سونگرانه خویش پیرامون امامان می‌کوشیدند تا نشان دهند که آنان پس از امام حسین (ع) از جامعه و سیاست کناره‌گیری کردند و مردم را به حال خویش

رها نمودند. حال آن‌که، با مراجعه به منابع و مأخذ مربوط به زندگی، سیره و اندیشه‌های سیاسی هر یک از آن‌ها و از جمله امام جواد (ع) که موضوع نوشتار حاضر است، درک می‌کنیم که هریک در عصر خویش با اوضاع و شرایط خاصی روبه‌رو بوده‌اند و همواره خطرشناسی و معرفت به ضرورت‌ها، موضوعات و نیازهای عصری و مرزبانی از اندیشه‌های ناب سیاست اسلامی را به عنوان یکی از اساسی‌ترین برنامه‌ها در سرلوحه اهدافشان، مدنظر قرار داده‌اند.

هرچند در این راه، به دلایل گوناگون و از جمله، حفظ مکتب نوپای اسلام و وحدت مسلمین اقدامی نکرده‌اند، اما این امر به معنای رها نمودن جامعه و مردم و هدایت و رهبری دل‌سوزانه آن‌ها نبوده است. چنان‌که تاریخ به خوبی گواه است یکی صلح را پذیرفته و دیگری به دعا و نیایش و پاسداری از مکتب و گسترش معارف اسلامی پرداخته و هم‌چنین رهبری و هدایت جامعه را به عهده گرفته و دیگری این مهم را با تأسیس دانشگاه بزرگ علوم و معارف اسلامی و در کنار آن با احتیاط و دقت فراوان به راه‌اندازی سازمانی منسجم و هدفمند (وکالت) به انجام رسانیده است. یکی عصر

خویش را زیر نظر دستگاه حاکم و یا در زندان به سر برده است، اما لحظه‌ای در تحقق اهداف مکتب و رهبری جامعه غفلت ننموده است و دیگری تا مرحله ولایت‌عهدی جهت تحقق آرمان‌های اصیل اسلامی کوشیده است و هر یک به روش‌های مختلف در شرایط گوناگون در امتداد دوره رسالت و تکمیل وظایف خویش به ایفای وظایف محوله پرداخته‌اند.

چنان‌که آموزه‌ها، سیره و اندیشه‌های سیاسی به جای مانده از هریک از این بزرگ‌واران در زمینه‌های گوناگون بهترین گواه بر این امر است که البته در ذیل به تبیین سیره، سبک و سلوک امام جواد (ع) در باب سیاست و حکومت جهت به چالش کشیدن سیاست‌های غیراسلامی و ظالمانه حکومت عباسی (استفاده ابزاری حکومت عباسی از دین) مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

ص: ۲۹۹

پردازش اولیه در مفاهیم

پیش از ورود به بحث اصلی نوشتار، جهت درک بهتر موضوع ضروری به نظر می‌رسد که به تبیین مفاهیم شاخص و ویژه موجود در متن پرداخته شود:

۱. سیاست

«سیاست» واژه‌ای عربی است که ریشه آن «السوس» به معنای ریاست یا به معنای خلق‌وخو می‌باشد. بنا به

تعریف اهل لغت «السیاسه القیام علی الشی بما یصلحه؛ سیاست اقدام و انجام چیزی بر طبق مصلحت آن است».۱ اگر به حاکم و زمام‌دار، «سیاست‌مدار» گفته می‌شود، ازآن‌روست که در امور اجتماعی و عمومی توده مردم به مصلحت‌اندیشی، تدبیر و اقدام می‌پردازد. عبارت «ساسه العباد» نیز که در وصف امامان معصوم آمده است، این معنا را در بردارد که تأمین مصالح و تدبیر امور اجتماعی جامعه بر عهده آنان است.۲

[1]. ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۱۰۷.

[2]. طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۷۸.

واژه سیاست، در اصطلاح علم سیاست به معانی گوناگونی به‌کار رفته است. برخی از این تعاریف، عبارت است از: فن کشورداری و کسب قدرت اجتماعی.[3] قدرت و فن کسب، توزیع و حفظ آن،[4] علم حکومت به کشورها[5] و فن و عمل حکومت بر جوامع انسانی.[6]

مهم‌ترین و کلی‌ترین موضوعات علم سیاست، دولت، حکومت و قدرت[7] است، ولی درباره تعریف و مفهوم علمی و دقیق سیاست، دیدگاه مشترکی وجود ندارد. البته تلاش فلاسفه از عصر افلاطون و ارسطو تا امروز برای کشف و ارائه

تعریفی از سیاست، استمرار داشته است.[8] این اختلاف‌نظر از عوامل متعددی سرچشمه می‌گیرد که مهم‌ترین آن، اختلاف در نوع نگرش فلاسفه و دانشمندان علم سیاست به مجموعه هستی است.[9] نوع تلقی و بینش فیلسوف یا عالم سیاست به آدم و عالم و نگاه وی به مجموعه نظام هستی و مبداء و غایت آن، قطعاً در نگرش وی به سیاست و تعریف آن، دخالت دارد. افزون بر این، تعریف سیاست را، گاه بر مبنای «آن‌گونه که هست» و گاه بر مبنای «آن‌گونه که باید باشد» ارائه کرده‌اند و همین اختلاف در مبنا، منشأ اختلاف در تعریف گشته است.[10]

اما شاید بتوان سیاست در اصطلاح را عبارت از مجموعه‌ای از موازین، اصول و مقررات کلی که مراجع دارای صلاحیت قانونی در هر جامعه وضع می‌کنند دانست که به عنوان الگو و راهنما، حدود اعمال، اقدام‌ها و تصمیم‌های اجرایی آن جامعه را، به منظور رسیدن به اهداف موردنظر تعیین می‌کنند. در واقع سیاست، تدابیری است که برای رسیدن به اهداف قابل‌دست‌یابی در چارچوب اصول اساسی و کلی تدوین می‌شود. هم‌چنین می‌توان سیاست را، مجموعه تدابیری که راهنمای تصمیم‌گیری‌های اساسی است و تدابیری که راه‌ها و خطمشی‌های اساسی رسیدن به اهداف قابل حصول را در چارچوب اصول بیان می‌کند، دانست.

---

[3] . عنایت، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، ص ۱۹.

[4] . حشمت‌زاده، مسائل اساسی علم سیاست، ص ۵۷.

[5] . دوورژه، اصول علم سیاست، ص ۱۷.

[6] . همان.

[7] . مسائل اساسی علم سیاست، ص ۲۴.

[8] . همان، ص ۱۰.

[9] . اصول علم سیاست، ص ۳۸.

[10] . همان، ص ۲۲.

۲. حکومت

حکومت در لغت، از کلمه حکم است که معنای اولی آن منع از فساد و منع برای اصلاح است و این معنی در تمام موارد صادق است. زیرا معانی دیگری که برای آن در نظر گرفته شده، مانند قضاوت و داوری و فرمان و امر، همه به این معنی بازگشت دارد.۱۱ در فرهنگ علوم سیاسی در مورد تعریف حکومت می‌گویند:

ص: ۳۰۱

«مجموعه دستگاهی که بر جامعه، اقتدار و چیرگی دارد. یعنی عبارت است از مجموعه عقیده، قانون، دولت، روابط داخلی، سازمان‌های دولتی به انضمام کلیه ابزارآلات دولت، مؤسسات فرعی، منضمات و متفرعات دستگاه هیئت حاکمه، مثل روابط فرهنگی، روابط خارجی و ... بدون استثنای چیزی از آن.۱۲

در فرهنگ صدر اسلام واژه‌های امارت، دولت، ملک، ولایت و سلطنت در ترادف نسبی با لغت حکومت به معنی امروزیش بوده‌اند. البته این واژه‌ها، واژه‌های خاص دارای معانی و مفاهیم ارزشی یا ضدارزشیِ صِرف نبوده‌اند، بلکه در واقع لغاتی بی‌طرف بوده‌اند که گاه از آن‌ها استفاده لغتی می‌شده، و گاه استفاده اصطلاحی. مثلًا قرآن کریم در مورد حکومت حضرت سلیمان از کلمه ملک استفاده می‌کند (وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلُوا الشَّیاطِینُ عَلی مُلْکِ سُلَیْمانَ)۱۳ و برای نمرود هم همین اصطلاح را به کار می‌برد (أَنْ آتاهُ اللَّهُ الْمُلْکَ).۱۴ اهل علم لغت‌شناسی معتقدند که مُلک نوعی سلطنت و مالکیت سلطنت‌های مردم و املاک و چیزهای ایشان است.۱۵

۳. سیره

سیره حالتی است که انسان دارد، نوع خاص حرکت انسان، نوع رفتار. «سِیرَه» بر وزن «فِعلَه» است مثل: «فِطرَه»

[11] . جهان بزرگی، اصول سیاست و حکومت، ص ۲۵.

[12] . علی بابایی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۶۷.

[13] . سوره بقره، آیه ۱۰۲.

[14] . سوره بقره، آیه ۲۵۸.

[15] . علامه طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۳۵۲.

که در این وزن، واژه بر نوع عمل دلالت می‌کند،۱۶ «جَلسَه» یعنی نشستن، «جِلسَه» یعنی نوع نشستن و «سِیرَه» نوع حرکت است.۱۷ اهل لغت در توضیح معنای آن گفته‌اند: «سیره» طریقه، هیأت و حالت است۱۸ و نیز آن را سنت، مذهب، روش، رفتار، راه و رسم، سلوک و طریقه معنا کرده‌اند و از «سیره فرد»

ص: ۳۰۲

به صحیفه اعمال او و کیفیت سلوکش میان مردم تعبیر کرده‌اند.۱۹ با توجه به آنچه از اهل لغت ذکر شد که «سیره» را به معنای سنت، روش، مذهب، هیأت، حالت، طریقه و راه و رسم گفته‌اند، می‌توان «سیره» را نوع رفتار و سبک‌رفتار و طریقه زندگی معنا کرد.۲۰ واژه «سیره» در اصطلاح اهل فن نیز به معنای حالت انسان، یعنی نوع خاص رفتار و عمل او است؛۲۱ ازاین‌رو، بسیاری «سیره» را به معنای «طریقه»، «هیئت» و «حالت» دانسته‌اند.۲۲

تعریف، اهمیت و جایگاه سیاست در سیره امام جواد (ع)

در خصوص تعریف سیاست در سیره امام جواد (ع) بدون تأمل در آن و تعیین عناصرش نمی‌توان به اهمیت و جایگاه، مبانی فلسفی و نیز اصول آن از منظر آن حضرت در قالب آموزه‌هایی ارزشمند به چارچوب روشن و مشخصی در این سیره دست یافت.

واژه سیاست در سخنان امام جواد (ع) به طور اخص و صریح اگرچه کم‌تر مورد اشاره قرار گرفته است، اما مضامین فرمایشات و کلمات فراوانی که از ایشان در این زمینه به یادگار مانده است، گواه روشنی بر این مدعاست.۲۳ بنابراین، هرچند ارائه تعریفی جامع از سیاست که مستند به کلام امام جواد (ع) باشد، خالی از اشکال، دشواری و مناقشه نیست، ولی با ملاحظه مجموع رهنمودها و آموزه‌های والای امام جواد (ع) و نیز عملکرد ایشان با توجه به آن مقطع زمانی

---

[۱۶] . اندلسی، الفیه ابن مالک فی النحو و الصرف، ص ۴۱.

[۱۷] . لسان العرب، ج ۶، ص ۴۵۴.

[۱۸] . معجم مقاییس اللغه، ج ۳، ص ۱۲۱.

[۱۹] . زمخشری، اساس البلاغه، ص ۲۲۶.

[۲۰] . دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه« سیرت».

[۲۱] . المیزان، ج ۱۶، ص ۱۷۸.

[۲۲] . مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۴۰.

[۲۳] . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۳۹۵؛ شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۹.

می‌توان این واژه را این‌گونه تبیین نمود: «مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها در مسیر حیات معقول».۲۴ در این تعریف به‌درستی بر این

ص: ۳۰۳

نکته تأکید شده است که در سیره امام جواد (ع)، سیاست یکی از واجب‌ترین عبادات و وظایف انسان‌هایی است که شرایط آن را دارند. و پیرامون اهمیت و جایگاه سیاست در این سیره، می‌توان اذعان داشت که دیدگاه امام جواد (ع) به سیاست، دیدگاهی توحیدی و الهی است؛ زیرا اصل آن نشأت یافته از دین اسلام است و حکایت‌گر تعامل و پیوند دین و سیاست می‌باشد، پس با نگاه دنیامدارانه و قدرت‌محورانه به این مسأله، تفاوت جوهری و ماهوی دارد؛ زیرا ایشان تربیت یافته مکتبی توحیدی است که جهان را آفریده و خدا را مالک و حاکمِ مطلق هستی می‌داند. بنابراین، انسان را مخلوق الهی و سرنوشت حقیقی و تکوینی او را در دست خداوند می‌بیند؛ خداوندی که خلق را به حال خود رها نساخته است، بلکه برای فراهم ساختن زمینه هدایت و راه‌یابیش به کمال حقیقی و تعالی وجودی، پیامبران را مبعوث کرده و آیات هدایت را فرو فرستاده است.۲۵ پیامبران، عهده‌دار ابلاغ وحی الهی و نجات انسان از سرگشتگی و گمراهی بوده‌اند؛ عهده‌دار رسالتی جامع و همه‌جانبه که همه ابعاد وجودی انسان را در برمی‌گیرد. از این دیدگاه، اطاعت خدا و پذیرش هدایت او، حقی است که از خالقیت، قدرت و عدالت الهی سرچشمه می‌گیرد: «و لکنه سبحانه جعل حقه علی العباد ان یطیعوه و جعل جزاءهم علیه مضاعفه الثواب تفضلًا منه ...»۲۶

در سیره امام جواد (ع) هدایت حقیقی انسان و شرف یابی او به عبودیت و خلافت الهی ایجاب می‌کند که لوازم و شرایط ضروری آن فراهم باشد. از بزرگ‌ترین لوازم تحقق این هدف در سطحی گسترده، وجود محیط و شرایط مساعد اجتماعی برای رشد و تعالی است؛ محیطی که شکل‌گیری آن بدون ولایت و حاکمیتِ صلاحیت‌داران، فراهم نخواهد شد. بنابراین، جایگاه سیاست در سیره امام جواد (ع) حتی با وجود سن کم و اشکالاتی که در این

[۲۴] . جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، ص ۴۷.

[۲۵] . نهج البلاغه، خطبه ۱.

[۲۶] . همان، خطبه ۲۱۶.

ص: ۳۰۴

زمینه بر ایشان وارد ساخته‌اند، بسیار فراتر و برتر از یک قرارداد اجتماعی بین مردم و حکومت است. مبنای اساسی چنین سیاستی از دیدگاه آن بزرگوار هم‌چون پدر و جد گرامیشان، تلاش و مجاهدت مشترک امام و امت برای اعتلای همه‌جانبه امت و کلمه حق است؛ مجاهدتی که برخاسته از بینش الهی و نظام ارزشی واحدی است که آن را با جان و دل پذیرفته‌اند و ضرورت آن را باور دارند.۲۷ هم‌چنین ایشان در سیره خویش در تداوم راه پدر، سیاستی را دنبال می‌کند که صرفاً در ایجاد هم‌زیستی مسالمت‌آمیز به کار گرفته شود تا بدین‌وسیله جامعه و ملت خویش را سعادتمند و سربلند نگاه دارد.

امام جواد (ع)، مفهوم، ضرورت، خاستگاه و ماهیت حکومت

پیش از تبیین ضرورت، خاستگاه و ماهیت حکومت در سیره امام جواد (ع) ابتدا باید مشخص شود که مفهوم حکومت در این سیره امام به چه معناست تا سپس به تشریح سایر موارد پرداخته شود.

با مطالعه در اسناد و شواهد تاریخی عصر امام جواد (ع) می‌توان استنباط کرد که در سیره امام، مفهوم حکومت همان معنای قرآنی آن یعنی حُسن کشورداری، تدبیر، اندیشه، اداره امور داخلی و خارجی کشور می‌باشد، نه به معنای فرمان‌روایی و خودکامگی که هرگونه آزادی و استقلال در اندیشه و عمل افراد را سلب می‌کند.۲۸ تعبیر مفهوم حکومت در این سیره، معنا و مفهومی فراتر از آن تصمیم‌گیری‌ها از سوی مقامات رسمی در دستگاه سیاسی است، ولی در سیره توحیدی امام جواد (ع) با کار ویژه‌هایی که برای آن بیان می‌شود، مفهومی فراتر پیدا می‌کند که می‌توان گفت: حکومت در این سیره، خلافت و ولایت از سوی خداوند برای بسترسازی کمال یابی بشر است.۲۹ از این‌رو، همه‌چیز در محور

ص: ۳۰۵

توحید و تکامل انسانی معنا و مفهوم می‌یابد و در این راستا است که حکومت به معنای سلطه و فرمان، یکی از مراتب توحید می‌باشد که تنها خداوند حاکم بر جان و مال بشر است و تنها اوست که می‌تواند برای اداره امور بشر و کمال یابی

---

[۲۷] . جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۷۸.

[۲۸] . بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۷۵.

[۲۹] . مقرّم، نگاهی گذرا بر زندگانی امام جواد(ع)، ص ۳۶- ۳۵.

او شخصی از جنسِ بشر را مشخص کند تا حکومتی مطلوب، که همان حکومت خدایی، صالح و در راستای کمال بشر می‌باشد را سرپرستی و اداره نماید. بنابراین، حکومت در سیره سیاسی امام جواد (ع) از مهم‌ترین جایگاه برخوردار است. زیرا در اندیشه ایشان همه‌چیز برای تربیت انسان است و در این میان حکومت می‌تواند بهترین زمینه‌ساز رشد مردمان و فراهم‌کننده بستر سیر آنان به سوی کمال مطلق باشد.

پس از تبیین مفهوم حکومت در سیره امام جواد (ع)، به‌طورکلی از جمله نخستین پرسش‌هایی که پیرامون مسأله حکومت پیش می‌آید این است که آیا اساساً وجود حکومت ضروری است یا خیر؟ آیا مردم می‌توانند بدون حکومت و فارغ از نظام حکومتی و قانون، حیاتی معقول و مناسباتی انسانی داشته باشند؟ بدون تردید، هر اجتماعی برای اداره کارها و پیش‌برد برنامه‌های همگانی خود، نیاز به هیئتی عالی دارد تا پیوندها و همبستگی‌های ضروری را در مسائل گوناگون اجتماعی، شیوه رفع نیازمندی‌ها، گردآوری نیروها و به‌کارگیری آن‌ها به بهترین راهی که مصالح اجتماعی اقتضا می‌کند، محقق گرداند. گسترش دادگری، پیش‌گیری از ستم و جلوگیری از پایمال شدن حقوق مردم، همگی بر ضرورت وجود حکومت دلالت دارد.

امام جواد (ع) نیز بر این اعتقاد بودند که حکومت از ضروریات اولیه هر جامعه است و جامعه بدون مقررات و قوانین و اجرای آن‌ها، پایه‌های تکوینی و بقای خویش را از دست می‌دهد. ازاین‌رو، بر این اصل پا می‌فشردند که وجود حاکم و امیر برای هر جامعه‌ای ضروری است و گریزی از پذیرش آن نیست. شاید اصرار حضرت جواد (ع)، در این رابطه فرمایش جد گرامیشان امام علی (ع) است که:

«انه لابد للناس من امیر بر او فاجر یعمل فی امرته المومن؛

همانا مردم

ص: ۳۰۶

به زمامدار نیک یا بد، نیازمندند؛ تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول شوند ...».[۳۰]

حال با توجه به لزوم و جایگاه ضروری حکومت در سیره امام جواد (ع) این پرسش مطرح می‌شود که خاستگاه حکومت در سیره سیاسی ایشان کجاست؟ و مشروعیت سیاسی حکومت به چیست و تحقق مقبول آن بر چه اساسی

---

[۳۰] . نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

است؟ آن‌چه از سخنان حضرت (ع) برمی‌آید این است که حق حاکمیت مطلق از آنِ خداست و بر این اساس حق حاکمیت برای مردم نیز از سوی خداوند متعال به رسمیت شناخته شده است. خداوند حقِ تعیین سرنوشت سیاسی مردم را به آن‌ها واگذاشته است. پس تحقق حکومت از آنِ مردم است و خداوند در این جهت مردم را با شناخت‌های فطری و ملاک‌های عقلی و رهنمودهای دینی هدایت کرده است تا آنان با آزادی و اختیار و از سرِ بینایی و دانایی به صالحان و شایستگان روی کنند و از این طریق حکومت را تحقق بخشند تا این‌که در سایه این عمل، عدالت و رفاه برایشان محقق شود.۳۱ لذا مشخص شد که در سیره امام جواد (ع) خاستگاه دیگر حکومت، خواست و تلاش در تحقق حکومت است که این امر، جز با خواست، میل و رأی مردم معنای حقیقی نمی‌یابد.

بنابراین در سیره امام، حکومت خاستگاهی الهی- مردمی دارد. لذا مشروعیت حکومت، الهی و مقبولیت آن مردمی است و حکومت حقیقی در سیره سیاسی ایشان، حکومتی است که بتواند قلوب مردم را به دست آورد و آن را اداره نماید؛ زیرا فارغ از مردم و جدای از ایشان و بدون خواستِ آنان حکومت اسلامی معنا و مفهومی ندارد و تحقق عینی هم نمی‌یابد؛ چنان‌که امام جواد (ع) بارها در این رابطه از اطرافیان و اصحابشان شنیده بودند که آن هنگام که مأمون قصد داشته بود با ریاکاری خلافت را از خود سلب و به امام رضا (ع) واگذار نماید، ایشان به مأمون اظهار داشته بودند که: «اگر این خلافت، از آنِ توست، پس خدا برای

تو قرار داده است و جایز نیست که لباس و خلعتی را که خداوند به قامت تو پوشانیده، از تن بیرون کنی و به غیر خود بپوشانی و به دیگری واگذار نمایی و اگر این مقام از آنِ تو نیست، پس حق این‌که چیزی را که از آن تو نیست، به من واگذاری، نداری».۳۲

در واقع امام جواد (ع) با تکیه بر فرهنگ رضوی در سیره خویش دریافتند که مسأله خلافت تکلیف است و چیزی نیست که بتوان از آن چشم پوشید. پس در این سیره هر صاحب قدرتی که بخواهد بر مردم حکومت کند، ناگزیر از مراعات دو رکن اساسی است:

---

[۳۱]. شیخ طوسی، الاستبصار، ج ۴، ص ۶۵.

[۳۲]. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۳۱۳- ۳۱۲.

۱. حکومت وی باید پایگاهی مشروع داشته باشد تا بدین‌وسیله حق سرپرستی و اعمال ولایت را کسب کند.

۲. اعمال قدرت و برنامه‌ریزی حکومت او با مصالح اجتماعی سازگار باشد.

بنابراین، حکومت‌های استبدادی که نه پایگاه شرعی و قانونی دارند و نه با مصالح اجتماعی سازگارند، حکومت‌هایی هستند که زمام امور را با قهر و غلبه به دست می‌آورند و بزرگ‌ترین حرکت خلاف وجدان را مرتکب می‌شوند.

مبانی فلسفی نسبت هدف و وسیله در باب سیاست و حکومت در سیره امام جواد

(ع)

به عقیده گروهی، سیاست بر این قاعده استوار است که برای رسیدن به قدرت و حکومت، استفاده از هر وسیله و ابزاری و از هر راه ممکنی، مجاز و مباح است. در این تلقی، سیاست بر هیچ‌یک از ارزش‌های انسانی متمرکز نیست و هدف اصلی، اعمال قدرت و تسلط بر جامعه انسانی است و سیاست‌مدار، کاری به حق و باطل امور ندارد. بسیاری از سیاست‌مداران جهان، در گذشته و حال، از سیاست و قدرت، معنا و مفهوم دیگری جز این در نظر نداشته‌اند. در برابر این تفکر، تلقی دیگری از سیاست و حکومت وجود دارد که بر پایه ارزش‌های الهی و انسانی استوار است و هدفِ محوری آن خدا و ارزش‌های انسانی است؛

ازاین‌رو، برای رسیدن به چنین هدفی، توسل به هر نوع ابزاری مجاز شمرده نمی‌شود؛ گرچه به بهای از دست دادن حکومت باشد و سیاست‌مدار به قدرت و حکومت نرسد.

سیره امام جواد (ع) در حکومت و تلقی ایشان از سیاست، مبتنی بر نوع دوم بوده است. زیرا مبانی فلسفی امام در این زمینه هنگامی که در چارچوب مطالعاتی منسجم جای می‌گیرد، مشخص می‌گردد که رفتار وی از پشتوانه متقن فکری و زمینه فلسفی یکدست برخوردار بوده است. به عبارت دیگر، رفتارهای امام در برابر هدف و وسیله، در رابطه با حکومت و سیاست بازتابی بیرونی از اندیشه‌هایی به شمار می‌رود که با بررسی آن از دید عقلانیت، مبانی منسجم فلسفی ویژه‌ای را فرا روی ما قرار می‌دهد؛ البته این سیره و اندیشه‌ها برای بررسی بیش‌تر به مجالی دیگر نیاز دارد و آن‌چه ما در این‌جا ارائه می‌کنیم، فقط گام نخست در طرح و بررسی این سیره است به‌گونه‌ای که به اعتقاد امام جواد (ع)، برپایی حکومت و

به‌کارگیری سیاست مطلوب در آن از آن جهت حائز اهمیت است که جامعه انسانی را به سوی تکامل مادی و معنوی و در نهایت به طرف خداوند سوق می‌دهد و عدالت اجتماعی را برقرار می‌سازد و برای همگان، زندگی سالم و هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی بر اساس تساوی حقوقی افراد، پدید می‌آورد. بر این اساس، در سیره ایشان برای رسیدن به قدرت و حفظ حکومت و اداره نظام اجتماعی، استفاده از زر و زور و تزویر حرام است.[۳۳]

بنابراین، حکومت در سیره امام جواد (ع) هدفی میانه است نه غایی! تعجبی از این سیره و تفکر نیست، زیرا ایشان دست‌پرورده مکتب رضوی است که نخست در مرحله اول و هنگام تحت‌فشار قرار گرفتن مبنی بر پذیرش ولایت‌عهدی سرباز زده و سپس با اکراه در پذیرش امام جهت اثبات عدم مشروعیت حکومت عباسی و سیاست‌های مزورانه آن چنین می‌فرمایند:

بار خدایا! تو می‌دانی که من در فشارم و چاره‌ای ندارم؛ از من مواخذه

ص: ۳۰۹

مکن، چنان‌که از بنده‌ات و پیغمبرت یوسف برای ولایت مصر مؤاخذه نکردی که گرفتار آن شد.[۳۴]

امام جواد (ع) از سیره امام رضا (ع) و اجدادش دریافتند که در دستگاه خلافت عباسی، سیاست و حکومت تنها وسیله‌ای برای دست‌یابی به قدرت و مکنت است و ابزاری برای سلطه‌گری و خودکامگی است، نه وسیله‌ای در خدمت اهداف انسانی و متعالی. مسلماً چنین حکومتی طبق اصل «ان الغایات تبررالمبادی» انجام هر کاری را نیز مباح می شمرند.

تفاوت حکومت و سیاست رایج در آن مبتنی بر سیره امام جواد (ع) با دیگر حکومت‌ها و سیاست‌ها

با توجه به آن‌چه تا به حال گفته شد، مشخص گردید که حکومت و سیاست مبتنی بر سیره امام جواد (ع) که سیاست و حکومتی الهی است، با حکومت‌ها و سیاست‌های زاییده اندیشه بشر، هم به لحاظ شکل و هم به سبب محتوا، تفاوت دارد. در سایر حکومت‌ها، خواه فردی و یا طبقاتی، فردی مقتدر و یا طبقه‌ای سرمایه‌دار غالباً بر این باورند که در نهایت،

---

[۳۳] . بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۰۷.

[۳۴] . شیخ صدوق، الامالی، ص ۶۵۹.

عالی‌ترین ذخایر مادی و معنوی ملتی را قربانی مطامع خویش کنند. حتی در حکومت‌های به ظاهر مردم‌سالار اگر اهرم قدرت برگزیده مردم باشد- که غالباً چنین نیست- و صد در صد هم‌سو با خواسته‌های آنان گام بردارد، باز در عمل برخی تمایلات وجود دارد که حدود الهی به دست فراموشی سپرده می‌شود. حال، در سیره سیاسی- حکومتی امام جواد (ع) با وجود سن کم و عدم تشکیل حکومت، حکومت الهی و سیاست رایج در آن، به موجب آیه شریفه «إِنِ الْحُکْمُ إِلَّا لِلَّهِ»،۳۵ قانون‌گذار و حاکم مطلق خدا است. در این شیوه سیاست و حکومت، خدا به پیامبران مقام عصمت بخشیده و مردم را مطیع آن‌ها قرار داده است: (وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ

رَسُولٍ إِلَّا لِیُطاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ؛ پیامبری رای نفرستادیم، مگر به اذن خدا اطاعت شود).۳۶ و در سیره ایشان این فرمان‌برداری به منظور منافع و مصالح ملت‌ها است و چنان‌چه کسانی این راه و روش را دنبال نکنند، طبق این دیدگاه مسلمان واقعی محسوب نمی‌شوند. امام جواد (ع) در این مورد با استناد به آیه قرآن فرمودند:

فَلا وَ رَبِّکَ لا یُؤْمِنُونَ حَتَّی یُحَکِّمُوکَ فِیما شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لا یَجِدُوا فِی أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَیْتَ وَ یُسَلِّمُوا تَسْلِیماً؛

چنین نیست به پروردگارت سوگند که مؤمن نیستند تا آن گاه که فقط تو را بر اختلاف خویش حکم کنند و به حکم تو اعتراضی نکنند و کاملًا تسلیم فرمان تو باشند.۳۷

بنابراین، حکومت و سیاست رایج در آن مبتنی بر سیره سیاسی تَقَوی از یک‌سو خواسته‌های افراد را با مصالح جامعه، آن هم در حدود اراده پروردگار تعدیل می‌کند و از سوی دیگر، مردم را در همه حال متوجه ذات خداوند می‌سازد و پیوسته او را کانون توجهات آنان قرار می‌دهد.

هم‌چنین بر اساس این سیره، حقوق زاییده اراده خداست و بر مفهوم عدالت تکیه و تأکید فراوان شده است.۳۸ سیاست و حکومت زمینی باید از سیاست و حکومت الهی نشأت گیرد و هر حکومت و سیاستی غیر از آن، امری ظالمانه و

---

[۳۵]. سوره یوسف، آیه ۴۰.

[۳۶]. سوره نساء، آیه ۶۴.

[۳۷]. سوره نساء، آیه ۶۵.

[۳۸]. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۰۰؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۵۵.

غاصبانه است. حکومت و سیاست حق، تنها از خلافت الهی ناشی می‌شود و نیز راست است که پایه‌های حکومت باید بر دوش مردم باشد و برنامه‌ها با مشارکت عمومی تحقق یابد و سیاست‌مداران نیز همگی این امور را با دل‌وجان پذیرا باشند، اما معیار حق و باطل در همه‌چیز و در همه‌جا صرفاً منتج از تمایلات اکثر مردم نیست. حکومت و سیاست رایج در آن باید چارچوبی از قوانین الهی داشته باشد و در پیاده کردن آن قوانین از نیروی جامعه یاری جوید، یعنی اصول از مکتب باشد و اجرا از مردم.

ص: ۳۱۱

چارچوب‌های حاکم بر سیاست و حکومت در سیره امام جواد (ع)

اگر چارچوب حاکم بر سیاست و حکومت در سیره امام جواد (ع) را با توجه به اینکه حضرت هرگز حکومتی تشکیل نداده است، مشتمل بر دستورات و قواعد کلی بدانیم که حکمِ ریشه و بنیانِ تدابیر و فعالیت‌ها را در راستای هدایت و سعادت جامعه داراست و با هدف هدایت‌گری سیاسی خود، درستی فرآیند این امر را از ابتدا تا انتها تضمین می‌کند. با این نگاه، می‌توان در تداوم بحث‌های مطرح شده این مقوله را- سیاست و حکومت در سیره امام جواد (ع)- در ارکان و ویژگی‌ها، مختصات و قواعد، اهداف و آرمان‌های کل‌نگر و جزءنگر و نیز راهبردها و راه‌کارها با تأکید بر سیره و اندیشه‌های حضرت جواد (ع) مشاهده نمود.

۱. ارکان و ویژگی‌ها؛ ارکان و ویژگی‌های سیاست‌مدار در منظومه فکری امام جواد

(ع)

بخشی از چارچوب حاکم بر سیاست و حکومت در سیره و اندیشه امام جواد (ع) مربوط به شخص سیاست‌مدار است و بخش دیگر به عملکرد وی مربوط می‌شود. مهم‌ترین ارکان و ویژگی‌های سیاست مکتبی، سیاستی که برخاسته از مکتب اسلام است در منظومه فکری امام جواد (ع) عبارتست از:

۱- ۱- معرفت خدا

اولین و مهم‌ترین ویژگی در سیاست‌مدار اسلامی در سیره امام جواد (ع) معرفت خداست. بدیهی است اگر سیاست‌مدار دین‌دار باشد و بر اساس اصول سیاست دینی عمل نماید، خودبه‌خود شناخت درست و دقیقی به وی اعطا خواهد شد و

وی در انجام رسالت و تکلیف خویش از انحراف‌ها و اعوجاج‌ها رهانیده می‌شود و به بیانی خدامحوری پایه و اساس رفتار و گفتار وی را تشکیل می‌دهد. سیاست‌مدار در این سیره و اندیشه امام جواد (ع) در همه‌جا خدا را ناظر به کارهای خویش می‌داند.[۳۹] ازاین‌رو، همواره می‌فرمودند:

اعلم آنک لن تخلو من عین‌الله فانظر کیف تکون؛

ص: ۳۱۲

بدان! تو در هیچ شرایطی از دیدگاه پروردگار بیرون نخواهی بود، اکنون ببین چگونه و در چه شرایطی خواهی بود.[۴۰]

باز هم می‌فرمودند:

من استغنی بالله افتقر الیه و من اتقی الله احبه الناس؛

فردی که تنها تکیه‌گاهش پروردگار باشد، به غنای واقعی می‌رسد و دیگران به او نیاز پیدا می‌کنند و هر آن‌کس که تقوی و رستگاری را پیشه خود سازد، مردم او را از ته دل دوست می‌دارند.[۴۱]

و باز هم اظهار داشتند:

سیادت و بزرگواری حقیقی با فردی است که راه تقوی و خداشناسی را پیش گیرد.[۴۲]

۲- ۱- صراحت و صداقت

بسیاری از سیاست‌مداران و اهل سیاست، به هیچ التزام عملی قائل نیستند، وعده‌هایی می‌دهند و عمل نمی‌کنند، سخنانی می‌گویند و خلاف آن را عمل می‌کنند، حال آن‌که در سیره امام جواد (ع) در چارچوب حاکم بر سیاست مکتبی ایشان، صراحت و صداقت از جمله برجسته‌ترین ارکان و ویژگی‌هایی است که سیاست‌مداران باید دارا باشند. بر اساس همین بینش، معتصم عباسی دومین خلیفه معاصر امام جواد (ع) هم‌چون سایر خلفای عباسی جهت تشویش اذهان عمومی، از

---

[۳۹] . سوره انفال، آیه ۲۴؛ سوره ق، آیه ۱۶؛ سوره واقعه، آیات ۸۵- ۸۳.

[۴۰] . ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۹.

[۴۱] . شبلنجی، نورالابصار، ص ۲۲۰.

[۴۲] . شرف الدین، الفصول المهمه، ص ۲۵۷.

هر وسیله‌ای برای پیش‌برد حکومت خویش در سیاست‌هایش بهره می‌جست، او که از همان ابتدا از حضور امام جواد (ع) به عنوان پیشوای شیعیان احساس خطر می‌کرد، از جوسازی، تضعیف، تحریک و ایجاد خصومت و کنترل شدید امام جواد (ع) دست بر نداشت و تا آن‌جا پیش رفت که حضرت سرانجام در مجلسی پرده از توطئه‌های زشت وی برداشت لذا با تکیه بر کلام نافذ علوی فرمودند:

ذمتی بما اقول رهینه و انا به زعیم ...؛

پیمان من بدان چه می‌گویم در گرو است و به‌درستی گفتارم متعهد و متکفلم.۴۳

و در ادامه با تکیه بر کلام الهی فرمودند:

ای معتصم مگر آگاه نیستی که: «... نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید».۴۴

در حقیقت امام جواد (ع) با این فرمایش قرآنی قصد داشتند به معتصم و سایر سیاست‌مداران عباسی بفهمانند که سیاست آنان که تنها در لوای اسلام قرار داشت، نه‌تنها سیاستی اسلامی نبود، بلکه ابزاری جهت نیرنگ و حیله ورزی بود که از آن برای رسیدن به مقاصد و اهداف خویش بهره‌برداری می‌نمودند.

پس در این‌گونه از سیاست (مکتبی- اسلامی) امام جواد (ع) می‌آموزد که سیاست‌مداران باید در گرو پیمان خویش با مردم بمانند و به آن‌چه گفته‌اند پای‌بند باشند و تا هنگامی‌که وجود خود را در عرصه سیاست مفید احساس می‌کنند باقی بمانند، اما هر زمان و به هر دلیلی که احساس نمودند که نمی‌توانند به وظایف خود عمل کنند، به جای ادامه راه گذشته و پوشاندن ناتوانی، با شهامت تمام از مسئولیت خود کناره گیرند تا برگ زرینی را بر کارنامه فعالیت‌هایشان و نیز پویایی سیاست الهی اضافه کنند، امام جواد (ع) در این باره می‌فرمایند:

... شما را به خدا سوگند که هرگز (در امر سیاست) به اندازه سر سوزنی حقیقت را پنهان ندارید و هیچ‌گونه دروغی نگویید.۴۵

---

[۴۳] . ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۵.

[۴۴] . سوره صف، آیه ۳.

۳- ۱- انتقادپذیری

انتقاد در عرصه سیاست، ساده‌ترین کانال ارتباطی میان شهروندان و

ص: ۳۱۴

دولت‌مردان است؛ آنان از این طریق، کارآیی و ناکارآمدی سیاست‌های خود و بازتاب‌های آن را درمی‌یابند. رتیب، انتقادها آینه‌ای است که دولت‌مردان در آن بازتاب عمل‌کرد خود و قوت و ضعف آن را می‌بینند و این همان امری است که امام جواد (ع) در سیاست اسلامی خویش بر آن تأکید می‌ورزند که مسئولان، مدیران و سیاست‌مداران باید سخن حق جامعه را بشنوند؛ زیرا اگر این مسأله برای کسی سنگین باشد، قطعاً عمل به آن دشوارتر خواهد بود.۴۶ به نوعی در صورت نپذیرفتن انتقاد، به غفلت دچار خواهند شد، همان‌گونه که امام جواد (ع) در استشهادی قرآنی در انتقاد به عمل‌کرد حکومت عباسی فرمودند: «أُولئِکَ کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولئِکَ هُمُ الْغافِلُونَ؛ آن‌ها مانند چارپایان بلکه گمراه‌ترند، آنان همان غفلت زدگانند».۴۷ و در مقابل از مردم می‌خواهد که حرف حق را درهرحال به سیاست‌مداران یادآوری کنند؛ زیرا پرهیز از انتقاد یعنی ادعای کمال و بی‌نقصی و این فقط مختص خداوند است و هر که چنین ادعایی کند، از درگاه الهی قطعاً رانده خواهد شد.

بنابراین، عنصر انتقادپذیری، نه‌تنها باعث تعالی روح دولت‌مردان می‌شود، بلکه در عرصه سیاسی نیز آنان را

موفق‌تر می‌سازد؛ زیرا هم ضعف و قوت عمل‌کرد خود را بهتر می‌شناسد و هم بر اساس انتقاداتی که شده است، سیاست خود را اصلاح و جهت‌دهی می‌کنند و به این وسیله، خطوط ارتباطی بین خود و توده‌ها را باز نگه می‌دارند. البته روشن است که در سیره سیاست مکتبی امام جواد (ع) رسیدن به چنین نقطه‌ای از حق‌پذیری و نقدپذیری، بدون خودسازی و تهذیب نفس غیرممکن است.

۴- ۱- ساده‌زیستی

لزوم روحیه ساده زیستی، یکی دیگر از ارکان و ویژگی‌های سیاست اسلامی

---

[۴۵] . الامالی، ج ۲، ص ۱۴۷.

[۴۶] . بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۸.

[۴۷] . سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

ص: ۳۱۵

در سیره امام جواد (ع) است؛ زیرا هیچ‌چیز مانند دنیاطلبی، خودخواهی، ریاست‌طلبی، خودرایی، جاه‌طلبی و غیره به سیاست اسلامی لطمه نمی‌زند و آن را تباه نمی‌کند. ازاین‌روست که امام جواد (ع) نیز بر این مسأله تأکید فراوان دارند و آن را از ویژگی‌های پیشوایان حق می‌دانند. لذا آن هنگام که حضرت فزون‌خواهی، ثروت‌اندوزی و فرهنگ تجمل‌گرایی حاکم بر سیاست عباسی که داعیه اسلامیت را داشتند، مشاهده فرمودند به شکلی تلویحی در جمعی که سران عباسی نیز حضور داشتند، اظهار داشتند:

پیامبر خدا (ص) با آن مقام و منزلت چنان دنیا را خوار و کوچک می‌شمرد که حتی نگریستن به پرده‌ای رنگارنگ را برنمی‌تابید.۴۸ لذا همگان آگاه باشند که یقیناً افراد طاغی و ستم‌کار به خاطر فزون‌خواهی‌شان در قدرت و کسب ثروت مشمول این کلام جدم قرار خواهند گرفت که فرمودند: «بد توشه‌ای برای آخرتتان از پیش فرستادید، زیرا خشم و سخط خداوند را برای خود فراهم کردید و شما در کام عذاب ابدی برای همیشه گرفتار خواهید بود».۴۹

۲. مختصات و قواعد؛ مختصات و قواعد حاکم بر پایه‌های حکومت در سیره امام جواد (ع)

سیاست‌مداری که ارکان و ویژگی‌هایی چون معرفت خدا، صراحت و صداقت، انتقادپذیری و ساده‌زیستی شاکله شخصیتش را تشکیل می‌دهد، قطعاً پایه‌های قدرتش نیز دارای قواعد و مختصاتی است که در ذیل به این امور با تکیه بر سیره امام جواد (ع) اشاره خواهد شد:

۱- ۲- توحیدی بودن

به طور کلی، تمام نظام‌های سیاسی که در طول تاریخ در جوامع انسانی به وجود آمده‌اند، از دو حالت خارج نیستند، یا نظام سیاسی توحیدی‌اند یا ضد توحیدی؛ یعنی نظام سیاسی یا به سوی توحید و وحدت می‌رود یا به سوی

ص: ۳۱۶

---

[۴۸] . بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۹۵.

[۴۹] . همان، ج ۴۵، ص ۱۰۹.

شرک. اگر نظامی سیاسی توحیدی نباشد، هر شکل و فرمی که به خود بگیرد، باز نظام شرک است. برنامه اصلاحی همه انبیاء با نفی شرک و اثبات توحید در طول تاریخ شروع شده است: «... یا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیْرُهُ؛ ای مردم خدای یگانه را که جز او خدایی نیست پرستش کنید».۵۰ توحید سرفصل دعوت و شعار اصلی مکتب همه انبیاء بوده است، در راستای اولین و اساسی‌ترین مسأله‌ای که پیامبراسلام (ص) مطرح فرمودند،

«قولوا لا اله الله تفلحوا ...؛

به وحدانیت خدا اعتراف کنید تا رستگار شوید» بوده است.۵۱

بنابراین، اصلی‌ترین مختصات فرهنگ سیاست اسلامی در سیره امام جواد (ع)، توحیدی بودن این مسأله است. توحید به خالص‌ترین شکل و پاک‌ترین صورت در این سیره بیان می‌شود و آفریننده جهان دربردارنده همه صفات و اسماء کمال است: «اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی؛ به جز خدای یکتا که همه اسماء و صفات نیکو مخصوص اوست، خدایی نیست»،۵۲ جمله‌ای که توحید در ذات، افعال و عبادات را شامل می‌شود. پس همواره می‌فرمودند: «

یا ذاالذی کان قبل کل شیء، ثم خلق کل شیء، ثم یبقی و یفنی کل شیء، و یا ذاالذی لیس فی السماوات العلی، و لا فی الارضین السفلی و لا فوقهن و لا بینهن و لا تحتهن اله یعبد غیره؛

ای خدایی که پیش از هر چیزی بوده، سپس هر چیزی را آفرید، او خود می‌داند ولی هر چیزی فانی می‌گردد. ای خدایی که نه در آسمان‌های بالا و نه در زمین‌های پایین، نه در بالاها و نه در بین زمین و آسمان و نه زیر آن‌ها، خدایی جز او مورد عبادت و ستایش نیست.۵۳

سیره امام جواد (ع) در سیاست اسلامی توحید، تنها یک امر اعتقادی و ذهنی نیست، بلکه به عنوان برنامه کامل زندگی که همه فعالیت‌ها در جامعه

---

[۵۰] . سوره هود، آیه ۳۱.

[۵۱] . سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴۰۰.

[۵۲] . سوره طه، آیه ۸.

[۵۳] . التوحید، ص ۴۸.

اسلامی باید مطابق با آن در جریان باشد، مطرح است،[54] به عبارت دیگر، توحید ریسمانی است که دانه‌های مروارید احکام و تعالیم اسلام را به هم مربوط می‌سازد و انحراف از آن به هر شکل که باشد به شدت منع شده است لذا هر نوع عقیده و اعتقادی که این اصل را خدشه‌دار نماید، شرک است.

همان‌گونه که در فرهنگ اسلامی توحید دو مرحله دارد، در سیاست اسلامی مطرح در سیره امام جواد (ع) نیز بر این دو اصل استوار است:

الف) توحید نظری یعنی اعتقاد به یگانگی خدا؛

ب) توحید عملی یعنی این‌که انسان خدا را مطاع، قبله روح، جهت حرکت و ایده‌آل خود قرار دهد و همه کردار و رفتار خود را در راستای تقرب به آن منبع خوبی و سعادت به جریان اندازد. در این سیره، اصولی‌ترین شیوه وصول به این هدف، پیروی راهی است که از سوی پروردگار، توسط انبیاء برای بشر ارائه شده و تسلیم شدن در برابر امر او: «فالهکم اله واحد فله اسلموا ...؛ (پس بدانید) خدای شما خدای یکتاست، همه تسلیم فرمان او باشید»[55] و نیز تفقه در دین است، چنان‌که می‌فرمایند:

الفقه ثمن لکل غال، و سلم الی کل عال؛

دین‌شناسی بهای هر متاع گران‌قدر و نردبان ترقی برای وصول به هر مقام بلندپایه‌ای است که برای بشر متصور می‌باشد.[56]

بنابراین، بهترین شیوه تسلیم هماهنگی اعمال و رفتار نیز بر طبق دستورات و تعلیمات الهی است چون فقط در سایه پیروی از قوانین و برنامه‌های خداوندی است که انسان به فلاح و رستگاری می‌رسد. پس توحید به‌عنوان اساسی‌ترین قاعده سیاست اسلامی در سیره امام جواد (ع) علاوه بر سیاست‌مداران، باید در اعمال و رفتار تک‌تک افراد جامعه اسلامی تجلی نماید و تمام آثار شرک و بت‌پرستی و خودپرستی، از جامعه اسلامی محو شود تا بدین طریق، زمینه

[54] . همان.

[55] . سوره حج، آیه ۳۲.

[56] . بحارالانوار، ج ۱، ص ۶۷.

تحقق جامعه‌ای با فرهنگ سیاست مکتبی واحد بشری بر مبنای حق و عدالت فراهم آمده و همه انسان‌ها در مسیر واقعی حیات که از خدا آغاز شده و با تقرب به او (از طریق کسب فضایل و کمالات) باز به او منتهی می‌شود، قرار گیرند.۵۷

۲- ۲- تعادل و انسجام

هر سیاست از عناصر و اجزایی تشکیل شده است که تألیف و ترکیب آن‌ها با یک‌دیگر مجموعه واحدی را با انسجام ویژه‌ای به وجود می‌آورد. با بررسی بخش‌های مختلف تعلیمات سیاست در سیره امام جواد (ع) که سیاستی توحیدی است، بارزترین صفت این مسأله را برخورداری از یک تعادل مجموعه‌ای می‌یابیم. تک‌تک قواعد و مختصات تشکیل‌دهنده آن در حالی که مقصود معینی را دنبال می‌کنند، درعین‌حال با هم‌دیگر ارتباط کاملی دارند و مجموعه آن عناصر هدف مشترکی را محقق می‌کند.

علت اصلی وجود چنین انسجامی در بین اجزاء سیاست مکتبی امام جواد (ع)، اتکای مبانی آن به اصل توحید است که پیش‌تر اشاره شد،۵۸ زیرا اصل توحید به منزله ریسمانی محکم و استوار، تمام این اجزاء را به هم مربوط می‌سازد.

۲- ۲- ۱- خدا و انسان؛

در فرهنگ سیاست مکتبی در سیره امام جواد (ع)، تفسیری از انسان و مقام والای او،۵۹ خدا و مقام بی‌همتا و الوهیت او۶۰ و جهان و استحکام آن ارائه می‌شود که به زندگی و حیات معنی خاصی می‌بخشد، بنده خدا بودن از دیدگاه جهان‌بینی ایشان، هیچ‌گونه تعارضی با جایگاه و شأن انسان چه به‌عنوان سیاست‌مدار یا یک انسان عادی پیدا نمی‌کند و با این تصویر و تفسیر است که زمینه هماهنگی بین قوای درونی انسان فراهم می‌آید، یعنی بیم و امید، احساس و اعتقاد و سایر خصوصیات وجودی انسان متعادل می‌گردند.

ص: ۳۱۹

۲- ۲- ۲- دنیا و آخرت:

---

[۵۷] . سوره بقره، آیه ۱۵۶.

[۵۸] . شیخ صدوق، التوحید، ص ۴۸.

[۵۹] . سوره بقره، آیه ۳۰؛ سوره انعام، آیه ۱۶۵.

[۶۰] . سوره شوری، آیه ۱۱.

در سیاست اسلامی مبتنی بر سیره امام جواد (ع) رابطه دین و دنیا، مادیت و معنویت به‌گونه‌ای معقول تفسیر شده است؛ زیرا سیره ایشان برخاسته از آموزه‌های انسانی است که:

«الدنیا مزرعه الاخره؛

دنیا به منزله مزرعه آخرت است».[61]

«بالدنیا تحرز الاخره؛

به وسیله دنیا آخرت تحصیل می‌شود».[62]

«نعم العون الدنیا علی الاخره؛

دنیا کمک خوبی است برای تحصیل آخرت»[63] است و همواره می‌فرمایند:

«الدنیا سوق ربح فیها قوم و خسر آخرون؛

دنیا بازاری است که عده‌ای در آن سود می‌برند و عده‌ای دیگر زیان»[64] و شاید بدین لحاظ بود که در پاسخ به شخصی که از امام جواد (ع) تقاضا نمود تا او را با جمله کوتاهی «نصیحتی جامع» فرماید نیز فرمودند:

«صن نفسک عن عارالعاجله و نارالاجله؛

خود را (از کارهایی که موجب) ننگ در دنیا و عذاب در آخرت است، حفظ کن».[65] در واقع امام جواد (ع) قصد دارند نشان دهند همه انسان‌ها و از جمله سیاست‌مداران در جامعه اسلامی هر عملی را که از خود بروز دهند، نتیجه آن را در جهان ابدی خواهند دید و علاوه بر آن بی‌توجهی به آبادانی دنیا بهره‌وری آخرتی را محدود خواهد کرد.

با این اوصاف، بین تمام بخش‌های سیاست اسلامی امام جواد (ع)، یعنی احکام و اعتقادات و اخلاق هماهنگی کامل وجود دارد و هر بخش کامل‌کننده بخش دیگر است که به‌هیچ‌وجه نمی‌شود این بخش‌ها را جدای از هم دانست.

---

[61] . بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۶۷.

[62] . همان.

[63] . همان، ج ۷۳، ص ۱۲۷؛ به نقل از بببب: بببب محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۸۵.

[64] . تحف العقول، ص ۵۷۴.

[65] . فصول المهمه، صص ۲۹۱- ۲۸۹.

۳- ۲- پویایی و جاودانگی

برخلاف سیاست‌های نشأت‌گرفته از سایر مکاتب که با عوض شدن شرایط، کارآیی خود را از دست می‌دهند، سیاست اسلامی در سیره امام جواد (ع) به لحاظ آن‌که برنامه‌های آن به‌گونه‌ای تنظیم شده است که سعادت بشر را در همه

ص: ۳۲۰

زمان‌ها و مکان‌ها تفسیر می‌نماید و درعین‌حال مطابق نیازها و ضروریات هر مرحله، طرح و برنامه مناسبی را ارائه می‌دهد، از پویایی و جاودانگی برخوردار است؛ زیرا مقتضیات موجود در سیاست مکتبی حضرت جواد (ع) هم‌چون سایر پدران بزرگوارش تداوم رسالت نبی مکرم اسلام است و این خصوصیت ناشی از وجود دو امر در فرهنگ سیاست اسلامی امام جواد (ع) است که رعایت آن در سایر سیاست‌ها به ویژه در سیاست‌های نشأت‌گرفته از اندیشه بشری به خاطر محدودیت علم و توانایی انسان میسر نیست و آن دو امر عبارتند از:

۳- ۲- ۱- سیره امام جواد (ع) ارائه دهنده سیاست مکتبی، در تعلیمات خود هرگز به دنبال هدف‌های گذرا و جزیی برای انسان نیست، چون این‌گونه اهداف، با تغییر اوضاع و شرایط عوض می‌شود.

۳- ۲- ۲- خداوند به عنوان خالق انسان و نظام هستی از همه واقعیت‌های وجود انسان و جهان آگاهی کامل دارد و در برنامه‌ای که از سوی سیاست اسلامی مطرح در این سیره برای حصول سعادت نوع بشر ارائه می‌شود، همه این حقایق را در نظر داشته است.

قُلْ یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکُمْ جَمِیعاً؛

ای مردم من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم.[۶۶]

وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعالَمِینَ

ای رسول، ما تو را نفرستادیم مگر آن‌که رحمت برای اهل عالم باشی.[۶۷]

---

[۶۶]. سوره اعراف، آیه ۱۵۸.

[۶۷]. سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

۳. اهداف و آرمان‌ها؛ اهداف و آرمان‌های حکومت در سیره امام جواد (ع)

بخش دیگری از چارچوب حاکم بر سیاست و حکومت در سیره امام جواد (ع) را اهداف و آرمان‌ها در یک حکومت مطلوب تشکیل می‌دهد که در این‌جا این مسأله از دو زاویه کل‌نگر و جزءنگر با تأکید و تکیه بر سیره امام جواد (ع) بررسی خواهد شد:

ص: ۳۲۱

۱- ۳- اهداف عالیه حکومت از دیدگاه کل‌نگر

بر اساس سیره سیاسی امام جواد (ع)، جنبه اول آرمان‌های یک حکومت مطلوب، اهداف کل‌نگر یا عام است و این بدان معناست که هیچ حکومتی نمی‌تواند شانه از زیر بار این مسئولیت خالی کند و به عبارتی آن اهداف را نادیده انگارد؛ زیرا حذف این اهداف محو فلسفه وجودی حکومت است.

۱- ۳- ۱- احیاء ارزش‌های اسلامی

اصول و ارزش‌های هر دین، مبین و صراط روشن حرکت جامعه به سوی سعادت و کمال انسانی است. همواره درگذر تاریخ و در جریان شکل‌گیری مناسبات سیاسی- اجتماعی خارج از ارزش‌های دینی، به تدریج دین حاکمیت خود را در جوامع از دست داده و چه‌بسا، احتمال دارد اصول آن «فروع» و فروع آن «اصول» انگاشته شود. همچنان که این امر در مورد احکام و آموزه‌های اجتماعی اسلام اتفاق افتاده است؛ به‌گونه‌ای که ارج و تکریم دین از آزادی، عدالت و مخالفت با هرگونه تبعیض طبقاتی و اجتماعی، در گستره جهان اسلام به دست فراموشی سپرده شده است. حال آن‌که حاکمیت دین و احیاء ارزش‌های اسلامی یکی از مهم‌ترین اهداف حکومت در سیره و اندیشه سیاسی امام جواد (ع) است؛ زیرا در آن روزگار، ارزش‌های اسلامی با وجود خلفای اموی و پس از آن عباسی، کم‌رنگ و بی‌رنگ شد و از توصیه‌هایی که حضرت به یارانشان در خصوص رعایت احکام و اجرای اصول اساسی دین و قوانین الهی در برابر سیاست‌های دین‌گریز عباسی داشته‌اند، به‌خوبی می‌توان دریافت.[۶۸]

---

[۶۸]. بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۴۶۰.

بنابراین بر اساس سیره امام جواد (ع)، حاکم اسلامی در اولین گام باید دین را از غیر دین تفکیک کند و آموزه‌های ناب و سره آن را- که مطابق فطرت و سازگار با هر عصری است- در بطن مناسبات انسانی اجتماعی به جریان اندازد و از این طریق زمینه‌های دین‌داری را در جامعه توسعه و گسترش دهد.

ص: ۳۲۲

۱- ۳- ۲- برچیدن آثار فتنه و فساد و تفویض امور به شایستگان

در اداره یک حکومت، بایسته است افرادی به کار گرفته شوند که مناسب انجام آن کار هستند؛ زیرا استفاده از عناصر نالایق، ناشایست و فاسد که تنها به منافع خویش می‌اندیشند و تمام راه‌های ممکن را تنها به پیشرفت خویش ختم می‌نمایند، برنامه‌های هدفمند حکومتی را با چالش و شکست مواجه می‌کنند.

اصل واگذاری اختیار نیز می‌گوید: اختیاری که به افراد واگذار می‌شود، باید به‌گونه‌ای باشد که توانایی آنان را برای دست‌یابی به اهداف مورد انتظار تضمین کند. پس طبق اصل مطلق بودن مسئولیت، انجام هر کار و مسئولیتی نمی‌تواند بزرگ‌تر از اختیاری باشد که برای انجام دادن آن واگذار شده است و مسئولیت نمی‌تواند از اختیار واگذار شده کم‌تر باشد.

در دوران امام جواد (ع)، نیز که فضیلت‌ها در جامعه به فراموشی سپرده شده بود و در دستگاه حاکمیت که داعیه به‌کارگیری سیاستی مبتنی بر دین در همه امور را داشتند جز جاه‌طلبی، مقام‌پرستی، انحصارطلبی، تمامیت‌خواهی دیده نمی‌شد، امام جواد (ع) دادِ سخن برآوردند و فرمودند:

هرگاه جاه‌طلبان و مقام‌پرستان بر جامعه حاکم شوند، فسادی که از کار آنان ناشی می‌شود، بیش از اصلاحی است که از کارشان برمی‌آید.۶۹

آن‌گاه فرمودند:

مگر نمی‌دانید که جدم پیامبر اکرم (ص) نیز افرادی را بر مسند حکومت بر امور انتخاب می‌کرد که باکفایت، امانت‌دار، بامعرفت و قدرتمند باشند. اهمیت این امر- واگذاری مناصب به افراد شایسته و لایق- در نزد جدم به قدری باارزش بود

---

[۶۹] . اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

که وقتی ابوذر از ایشان درخواست کرد امارتی به او بدهد، به وی فرمود: «تو ضعیف هستی و این امانت است و در قیامت موجب خواری و ندامت است».۷۰ ازاین‌رو، به‌رغم علاقه زیادی که به ابوذر داشت و سوابق زیادی که او در اسلام داشت، مدت‌ها صلاح ندید به او مسئولیت سیاسی یا پست حکومتی بدهد.

ص: ۳۲۳

هم‌چنین حضرت (ع) در جای دیگر اظهار داشته‌اند: «ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها» همان آیه‌ای است که نزول آن به علت واگذاری امور به رهبران و کسانی که امور مردم را عهده‌دار شده‌اند، می‌باشد، پس باید اهلیت و شایستگی احراز آن مناصب سیاسی را داشته باشند.

بنابراین، بر اساس سیره امام جواد (ع)، حکومت و مناصب موجود در آن باید به افراد شایسته و صالح سپرده شود؛ زیرا در غیر این صورت طبقه زورمدار و نالایق، بر امور حاکم می‌شوند و اسراف و فساد نیز فراوان خواهد شد و طبقات فرودست جامعه، زیر فشار قرار می‌گیرند و طبقه حاکم برای ممانعت از طغیان و جنبش آنان، انواع سخت‌گیری و خفقان را اعمال خواهد کرد، پس قطعاً جامعه دچار آسیب می‌شود و از هرگونه پیشرفتی باز می‌ماند. با نگاهی دیگر و با توجه به آن‌چه در سیره سیاسی امام جواد (ع) گذشت، می‌توان فهمید که معیارهایی چون: تعهد، تخصص، امانت‌داری، اهلیت، ایمان، مقاومت، مقام‌پرست نبودن و توان اجرایی داشتن مورد توجه حضرت (ع) در عهده‌داری امر حکومت بوده است.

۱- ۳- ۳- اصلاح روابط اجتماعی

اصلاح روابط طبقات مختلف جامعه، یکی دیگر از اهداف و آرمان‌های حکومت در سیره سیاسی امام جواد (ع)، است. به‌گونه‌ای که حکومت با طرف‌داری از مظلومان، به احقاق حق آنان از ظالمان در هر مقام و منصبی که باشند، بپردازد و امنیت جامعه را به نحوی تنظیم نماید که طبقات مختلف جامعه به یک‌دیگر تعدی نکنند. البته این امنیت دوطرفه است. یعنی از سویی باید سرمایه‌های مردم از امنیت کامل برخوردار باشد و کسی به آن تعدی نکند و از سوی دیگر، در صورت تعدی شخص متمول به حقوق ضعیف، حکومت موظف به دفاع از اوست. در واقع، استواری سیره امام جواد (ع) پیرامون این امر همان فرمایش امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر است که فرمودند:

---

[۷۰] . حجاج قشیری، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۷.

ای مالک! تو باید به‌گونه‌ای حکومت بکنی که مردم تو را به معنای واقعی

ص: ۳۲۴

تأمین‌کننده امنیتشان و نگهدار هستی و مالشان و دوست عزیز خودشان بدانند.۷۱

امام جواد (ع) به نقل از پدرشان و ایشان نیز به نقل از پدرشان امام موسی کاظم (ع) فرمودند که پیامبر اسلام (ص) بارها این فرمایش را اظهار می‌داشتند:

لن تقدس امه لا یوخذ للضعیف فیها حقه من القوی غیر متتعتع؛

امت به مقامی که قابل تقدیس و تمجید باشد نمی‌رسد، مگر آن‌وقت که وضع به این منوال باشد که ضعیف حقش را از قوی بگیرد، بدون لکنت زبان.۷۲

تعبیر سیره حضرت در مورد این مسأله به این معناست که وقتی ضعیف در مقابل قوی می‌ایستد و لکنتی در بیانش وجود ندارد یعنی یا مردم به‌طورکلی روحیه ضعف و زبونی را از خود دور کرده‌اند و در مقابل قوی هر اندازه هم که قوی باشد، شجاعانه ایستاده‌اند و لکنت به زبانشان نیفتاده و ترسی هم ندارند یا اینکه اصلًا نظامات اجتماعی باید طوری باشد که در مقابل قانون، قوی و ضعیفی وجود نداشته باشد.

بدین سبب بود که امام جواد (ع) مکرراً خطاب به حاکمان ظالم و طغیانگر عباسی می‌فرمودند آگاه باشید که:

«یوم العدل علی الظالم اسد من یوم الجور علی المظلوم؛

روز دادخواهی و عدالت بر ستمگر سخت‌تر از روز ستم بر ستمدیده است»۷۳ و هم‌چنین ادامه دادند بدانید که:

«العامل بالظلم و المعین علیه و الراضی شرکاء؛

آن کس که ستمگر و ظالم است و آن‌که معاونت و یاری او را به عهده دارد و آن‌که بر ستم، رضایت و خشنودی دارد، همگی در امر ظلم و ستم، شریک و سهیم هم هستند و در عقوبت یکسان».۷۴

---

[71] . نهج البلاغه، نامه ۵۳.

[72] . شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۱۰۷.

[73] . فصول المهمه، ص ۲۹۱– ۲۸۹.

۱- ۳- ۴- اقامه حدود الهی

شرایط عصر امام جواد (ع) به خوبی نشان می‌دهد که در آن دوره عده‌ای به زعامت و حکومت‌داری رسیده بودند که به راحتی حدود الهی را نادیده گرفته و در حقیقت از حدِ مجاز، پا را فراتر نهاده بودند؛ به‌گونه‌ای که واجبات، محرمات، مستحبات و مکروهات هریک جایشان را به دیگری سپرده بود و از این طریق به جامعه نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم آموزش داده می‌شد که تجاوز نمودن از حدود الهی امری عادی و جایز است.

امام جواد (ع) به صراحت از این اوضاع به شدت اعتراض نمود و فرمودند:

پیامبر هرگز درباره حق کوتاهی نکرد و از دین پا را فراتر نگذاشت.۷۵

و باز هم فرمودند:

تلک حدود الله فلا تعتدوها و من یتعد حدودالله فاولئک هم الظالمون

این‌ها حدود خداست، از آن‌ها فراتر نروید و هرکه از حدود خدا فراتر رود، چنین کسان ستمکارند.۷۶

سپس ادامه دادند:

آگاه باشید! حفظ حدود الهی به‌قدری بااهمیت است که رسول خدا (ص) با آن مقام می‌فرمودند: «انا اتقاکم لله و اعلمکم لحدودالله».۷۷

امام جواد (ع) در ادامه فرمودند:

آهنگ خدا را در دل داشتن و حدود آن را رعایت نمودن، رساتر است از آن‌که اعضاء بدن را با انجام اعمال به رنج و زحمت اندازیم.۷۸

---

[۷۴] . همان، ص ۲۵۶.

[۷۵] . بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۸۸.

[۷۶] . سوره بقره، آیه ۲۲۹.

[۷۷] . متقی هندی، کنزالعمال، ج ۱۱، ص ۴۱۹.

بنابر سیره امام جواد (ع)، حاکم اسلامی باید در اهداف حکومتی خویش شناسایی مرزها و اقامه و نیز حفظ آن حدود را در رأس برنامه‌هایش قرار دهد؛ زیرا در این سیره، مرزشناسی و حفظ حدود الهی از مبانی اعتقادی است و اسلام

ص: ۳۲۶

مجموعه‌ای از مرزهاست و مؤمن راهرو در مرزهاست، پس وی هرگز حدود را حتی در هنگام رویارویی با دشمن نمی‌شکند:

وَ قاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ الَّذِینَ یُقاتِلُونَکُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ؛

و در راه خدا با کسانی که با شما کارزار کنند، کارزار کنید ولی از حد مگذرید که خداوند از حد گذرندگان را دوست ندارد.۷۹

۲- ۳- اهداف عالیه حکومت از دیدگاه جزءنگر

جنبه دوم از اهداف حکومتی در سیره امام جواد (ع) اهداف و آرمان‌های جزءنگر یا خاص است. این مسأله حکایت از آن دارد که حکومت به اقتضای اسلامیت خویش، به دنبال آن‌هاست. در سیره امام جواد (ع) حذف این اهداف یا بی‌اعتنایی به آن‌ها، سبقه اسلامی- حکومتی را از بین می‌برد.

۲- ۳- ۱- اجرای عدالت اجتماعی و تسری آن در همه جامعه

یکی از اساسی‌ترین اهداف و آرمان‌های حکومت از دیدگاه جزءنگر امام جواد (ع)، تحقق و اقامه عدالت آن‌هم به شکل اجتماعی است؛ زیرا حکومت جز با عدالت هویت حقیقی نمی‌یابد و در واقع جامعه‌ای که عدالت در آن برپا نباشد، فاقد حیات انسانی و زندگی معنوی است و دیانتی نیز که در آن اهتمام به برقراری عدالت نباشد، مایه گمراهی است و حکومتی که عدالت در سیاست‌هایش هدف نباشد و در راه برقراری عدالتی همه‌جانبه و فراگیر گام نمی‌زند، در حقیقت در مسیر هلاکت است. همان‌گونه که اصلاح دین و دنیای مردمان نیز وابسته به عدالت است. امام جواد (ع) نیز هدف اساسی و والاترین ارزش در جامعه در راستای جهت‌گیری‌های حکومتی را اجرای اصل بنیادی عدالت می‌دانست و

---

[78] . شیخ قمی، منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۲۹.

[79] . سوره بقره، آیه ۱۹۰.

عدالت اجتماعی را بهترین خدمت به جامعه معرفی می‌کرد و خطاب به حکام ظالم عباسی که اجرای عدالت را به‌هیچ‌وجه مراعات نمی‌نمودند، می‌فرمود، بدانید که: «همانا جان‌ها و ثروت‌های ما از

بخشش‌های گوارای خداوند و عاریه سپرده اوست ...».۸۰ مگر آگاه نیستید که: «کسی که رضایت دهد به عافیت، سلامت و عدالت بر زیردستان خویش، روزی او خواهد شد سلامت و عدالتی بهتر از کسانی که برتر و مافوق او هستند».۸۱

لذا این مقوله در سیره امام جواد (ع) به قدری بااهمیت بود که با تبعیت از سیره نبوی، یک ساعت به عدالت رفتار کردن در عمل را از هفتادسال عبادت که در روزها و شب‌های آن احیاء باشند را بهتر می‌دانستند و به کسانی نیز که از دوستان ایشان بودند و در برخی مناصب سیاسی حضور داشتند، این امر را توصیه و تأکید می‌کردند.۸۲

ایشان به خوبی درک نموده بود که نادیده گرفتن ظرفیت وجودی افراد و شایستگی آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی به علت عدم اجرای اصل بنیادی عدالت، چه فاجعه‌های بزرگی را ایجاد می‌نماید. از این سیره و منش

تعجبی نیست، زیرا امام جواد (ع) این سیره را وامدار پدر بزرگوارشان امام رضا (ع) است آن سان مأمون به حضرت رضا (ع) پیشنهاد ولایت‌عهدی و همراهی حاکمیت سیاسی را می‌دهد، امام رضا (ع) در پاسخ، فرمایش امام علی (ع) را تکرار می‌نماید که: «به من پیشنهاد می‌کنید که به واسطه جور و ظلم بر ملت، پایه‌های حکومت خودتان را تقویت نمایید و برای خود یار و یاور و پشتیبان انتخاب نمایید ...».۸۳

امام جواد (ع) به خوبی این امر را درک نموده بود که مأمون و معتصم نیز چون سایر خلفای عباسی برای استوار ساختن پایه‌های حکومت خود و به منظور تسلط بیش‌تر به مردم با شعارهای دینی، دست به هرکار و سیاست مزورانه‌ای می‌زنند

---

[۸۰] . تحف العقول، ص ۴۷۹؛ اعلام الهدایه، ج ۱۱، ص ۲۳۶.

[۸۱] . منتهی الامال، ج ۲، صص ۲۳۱– ۲۳۰.

[۸۲] . اصول کافی، ج ۳، ص ۱۵۷.

[۸۳] . بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۱۸.

و حقوق آنان را به طور کامل پایمال می‌کنند، تا این‌که جامعه را تحت سیطره خویش درآورند. بنابراین از سیره امام جواد (ع) در باب اهداف و

ص: ۳۲۸

آرمان‌های حکومت در راستای تحقق اصل عدالت، استنباط می‌شود که نفس حکومت برای سیاست‌مدار و حاکم نباید به عنوان یک هدف باشد، بلکه از باب تحقق عدالت، اقامه حق و اذاله باطل باید به آن بنگرد؛ زیرا بر این اساس استقرار و اجرای عدالت در جامعه، یکی از عوامل کارآمدی حکومت‌ها محسوب می‌شود.

۲- ۳- ۲- تأمین و افزایش امنیت همگانی

زندگی فردی و اجتماعی انسان در ارتباط با امنیت است. بعضی از دانشمندان آن را در ردیف دومین نیاز بنیادی بشر پس از رفع احتیاجات فیزیکی مانند گرسنگی قرار می‌دهند۸۴ و برخی آن را شرط به سعادت رسیدن جامعه بر می‌شمارند.۸۵ به هرحال می‌توان گفت، وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است که احساس امنیت و امنیت روانی در آن جامعه؛ البته بعضی از کارشناسان، احساس امنیت را در یک جامعه مهم‌تر از وجود امنیت در آن می‌دانند که سخنی حق و به جاست. حال نکته اساسی در برقراری امنیت، نقش و جایگاه حکومت و سیاست‌های آن می‌باشد، زیرا برقراری امنیت در جامعه متکی بر حکومت و ابزارهای رسمی آن است و در این میان نیروهای حکومتی مجریان اصلی و برقرارکنندگان امنیت می‌باشند و اگر حکومتی با سیاست‌های درست نتواند امنیت را در جامعه برقرار نماید، آرامش و آسایش از آن محیط رخت برمی‌بندد و نمی‌توان از مردم انتظار داشت که حامی و پشتیبان حکومت باشند؛ زیرا وقتی عدم برنامه‌ریزی‌های یک حکومت موجب اختلال در امنیت باشد، مردم در شرایط سخت و دشوار قرار گرفته و تنها به فکر بقای خود و خانواده‌شان خواهند بود، نه به فکر حمایت و پشتیبانی از حکومت، حاکمان و سیاست‌مدارانشان. ازاین‌رو، فراهم کردن امنیت در همه وجوه آن اعم از امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی، فکری، معنوی، فرهنگی، اقتصادی،

ص: ۳۲۹

[۸۴] . مازلو، چکیده روان شناسی، ص ۱۸۲.

[85] . فارابی، تاریخ فلسفه سیاسی، ج ۲، ص ۵۹۴.

شغلی، قضایی و مرزی از اهداف و آرمان‌های حکومت‌داری در سیره سیاسی امام جواد (ع) است.

ایشان بر این اندیشه بودند که حاکم باید در پی امنیتی فراگیر به لحاظ رشد و تعالی مردمان باشند و در این راه هر نوع خودکامگی و خودرایی را زیر پا نهد تا از این طریق بتواند فضایی آکنده از امنیت را در عرصه مناسبات حکومتی خویش برقرار نماید. حضرت اظهار نگرانی و ناخشنودی خویش را از ناامنی موجود در جامعه به لحاظ وقایعی که حاکمان عباسی برای تثبیت موقعیت خویش از آن بهره می‌جستند، این‌گونه توصیف می‌کند:

شر الاوطان ما لم یامن فیه القطان؛

بدترین وطن‌ها جایی است که ساکنان آن‌جا در امان نباشند.۸۶

امام جواد (ع) درراستای تحقق امنیت برای عموم مردم با ارسال نامه‌هایی خطاب به اسماعیل بن یزیع و احمد بن حمزه قمی و نیز نوح بن دراج که در دستگاه حکومتی وقت صاحب پست‌های مهم و حساس بودند، از ایشان درخواست می‌نمودند که با باقی ماندن در پست‌هایشان و خدمت به مردم در حفظ امنیت روحی و روانی و ... برای ایشان (مردم) کوشا باشند.۸۷

در سیره امام جواد (ع)، حیات انسان بدون امنیت معنا نمی‌یابد، لذا امنیت ریشه در فلسفه وجودی حیات جمعی دارد و نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت؛ زیرا فراهم شدن این مسأله در هر حکومتی به معنای سامان یابی رشد و تعالی مردمان آن جامعه است.

۳- ۳- ۲- توجه به رشد و بالندگی و تأمین سعادت مادی و معنوی مردم

برخی معتقدند که حکومت اسلامی و سیاست‌های موجود در آن، همه هم‌وغم خود را معطوف رفع نیازهای معنوی و اخروی مردم نموده و بدین‌سان از توجه به رشد و بالندگی و تأمین سعادت مادی مردم بازمانده است. در حالی

---

[۸۶] . اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

[۸۷] . نجاشی، الرجال، ص ۲۵۴؛ خویی، معجم الرجال، ج ۱۹، ص ۱۸۱- ۱۷۹.

که توسعه اقتصادی و به عبارتی تأمین رفاه و آسایش، آن‌هم به نحو شاخص و چشم‌گیر جزء اهداف و آرمان‌های حکومت اسلامی و از آن جمله در سیره توحیدی امام جواد (ع) است.

در سیره حضرت حکومت باید عُلو مادی و معنوی مردم را بیش از هرچیز واجد اهمیت بداند و حاکم اسلامی موظف است تا این امر را در جامعه تحقق بخشد. همان‌گونه که حضرت علی (ع) به مالک اشتر فرمودند:

... من تو را برای اداره کشور می‌فرستم که چونان باغبانِ عاشق نهال‌های باغ خود، مردم آن سرزمین را احیا نمایی و شخصیت آنان را در این گذرگاه معنادار که دنیا نامیده شده است، به ثمر برسانی و از بدبختی‌ها و رذالت‌های اخلاقی و ناگواری‌های جانکاه نجاتشان بدهی، نه چونان درنده‌ای خون‌آشام که قدرت حکومت مستت کند و زندگی و مرگ مردم را به بازی بگیری و برای رسیدن به خواسته‌های جاه‌طلبانه خود حیات مردم را که شعاعی از اشعه الهی در روی این کره خاکی است، طعمه‌ای لذیذ برای خود تلقی نمایی. آن‌کس که با تکیه بر قدرت، انسان‌ها را طعمه خود بداند، پیش از آنکه انتقام ماورای طبیعی بر سرش تاختن بیاورد، دیر یا زود لقمه‌ای ناچیز در دهان گرگ‌هایی مانند خودش خواهد گشت.۸۸

پس بر اساس آموزه‌های ارزشی امام جواد (ع)، حاکم اسلامی که مدیریت جامعه را به عهده گرفته است، موظف است اداره همه ابعاد جامعه را از تنظیم حیات طبیعی افراد و گروه‌ها گرفته تا امکان‌پذیر ساختنِ ورود به حیات معقول و رهسپار نمودن اشخاص به عظمت و کمال ربوبی را عهده‌دار شود.

هم‌چنین اعتقاد امام جواد (ع) مبنی بر تأمین شرافت‌مندانه و کرامت‌مدارانه مردم و توجه به رفاه عمومی آنان ناشی از اهمیت این مسأله در سیره امام بود و همواره خود در راه نیل به این مقصود و فقرزدایی و تأمین معیشت مردم،- با وجود عهده‌دار نبودن مقام رسمی- از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند و دلیل این مسأله را این‌گونه می‌دانستند که:

ص: ۳۳۱

آبادانی و تأمین رفاه از اوامر الهی و از رسالت‌های انبیاست که در سایه آن، آسایش و راحتی پدید خواهد آمد.۸۹

---

[۸۸] . نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳.

[۸۹] . بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۷.

و نیز می‌فرمودند:

... و ان مالک من عملک احسنت فیه، فاحسن الی اخوانک و اعلمان الله عزوجل سالک من مثاقیل الذر و الخردل؛

به راستی آنچه از رفتارت برای تو ماندگار است، احسان تو است، پس با برادر دینی خود نیکی کن و بدان که خداوند از سنگینی اعمال به اندازه ذرات و دانه خردل نیز خواهد پرسید.۹۰

از سوی دیگر نیز معتقد بودند که رفاه عمومی جز با توزیع عادلانه و به حق ثروت‌ها و درآمدهای جامعه تحقق‌پذیر نیست. ایشان این امر را از وظایف و اهداف این گروه می‌شمردند. بدین ترتیب رشد دادن وبالنده کردن مردم، در جنبه‌های مختلف مادی و معنوی و روحی و جسمی از وظایف و اهداف هر حکومت است.

زیباترین شاهد بر این مدعا نامه‌ای است که امام جواد (ع) خطاب به حاکم سیستان نوشته و در آن از وی خواسته است تا نسبت به مسلمانان و مشکلات آنان توجه نماید و در مسیر رشد و بالندگی و تأمین سعادت مادی و معنوی ایشان از هیچ کوششی فروگذار ننماید.۹۱

۴- ۳- ۲- تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش

یکی دیگر از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های حکومت در سیره امام جواد (ع) لزوم تعلیم و تربیت و آموزش‌وپرورش مردم می‌باشد. زیرا در نظام اندیشه ایشان، توسعه فرهنگی بر توسعه اقتصادی، تقدم دارد زیرا افزون بر اینکه توسعه اقتصادی بدون توسعه فرهنگی ممکن نیست، جامعه خفته و در جهل فرورفته، نه از امکانات و زمینه‌ها و بایسته‌های اقتصادی برخوردار است و نه بر چگونگی

ص: ۳۳۲

بهره‌وری از آن، چیره و نه بر ضرورت بهره‌وری و استفاده از آن، آگاه. پس توسعه فرهنگی و آموزش‌وپرورش، نیاز جان و خِرد انسانی است و توسعه اقتصادی، خواستِ تن؛ و روشن است که نیاز جان و خرد بر نیاز جسم و تن مقدم است.

---

[۹۰] . بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۸۶.

[۹۱] . همان، ص ۸۱.

چنان‌که آموزه‌های اسلامی نیز، دانش را پایه و اساس همه خوبی‌ها و کام‌یابی‌های مادی و معنوی و معیار ارزش‌یابی انسان می‌داند و بر این اساس است که معتقد است جهل ریشه همه بدی‌ها و ناکامی‌هاست. «قیمه کل امری ما یعلمه؛ ارزش هر انسان به اندازه چیزی است که می‌داند»۹۲ و نیز «دانش پایه هر خوبی و نادانی پایه هر بدی است».۹۳

امام جواد (ع) در اندیشه‌هایشان اعتقاد داشتند با تربیت می‌توان زمینه رشد و تعالی فرد و جامعه را فراهم کرد تا استعدادها و توانایی‌ها در جهت کمال مطلق شکوفا شود. ایشان این مسأله را از واجبات و وظایف مهم بر عهده حکومت در سیاست‌گذاری‌های آنان در این زمینه می‌دانستند و می‌فرمودند:

بر حاکم و رهبر واجب است که بر اهل ولایت خویش حدود اسلام و ایمان را تعلیم دهد، ایشان را در مسیر تربیت اسلامی قرار دهد.۹۴

این مسأله تنها در اندیشه حضرت به صورت تئوری باقی نماند، بلکه اسناد تاریخی نشان می‌دهد که مکتب علمی- فرهنگی امام جواد (ع) در راه تعلیم و تربیت و نیز آموزش‌وپرورش از مهم‌ترین بُعد از ابعاد زندگی آن حضرت را شکل داده است؛ به‌گونه‌ای که در باب این مسأله- تعلیم و تربیت- صدها حدیث در موضوعات گوناگون از طریق راویان و اصحاب امام جواد (ع) هم چون عبدالعظیم حسنی، علی بن مهزیار، احمدبن محمدبن ابی نصر بزنطی، زکریا بن آدم، محمدبن اسماعیل بن بزیع، حسین بن سعید اهوازی، احمد بن محمد بن خالد برقی و محدثان و دانشمندان نام‌آور اهل سنت مانند ابن حجر هیتمی، جاحظ عثمانی معتزلی و خطیب بغدادی بسیاری از معارف و حقایق دینی را از

آن حضرت (ع) نقل کرده‌اند.۹۵

مناظره‌ها و برخوردهای امام جواد (ع) با فرقه‌ها و مذاهبی چون: اهل حدیث، واقفیه، زیدیه و به ویژه غلات و معتزله بهترین حافظ اندیشه‌ها و مبانی برحق تشیع و نیز راهی برای تعلیم و تربیت ایشان (مسلمانان) بود. مناظره‌های علمی آن

---

[۹۲] . علم و حکمت در قرآن و حدیث، ص ۳۰.

[۹۳] . همان.

[۹۴] . بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۵؛ اصول کافی، ج ۴، ص ۳۱۸.

[۹۵] . تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۵۵- ۵۴.

حضرت[96] با افراد بسیاری شگفتی هر دانشمند منصفی را علاوه بر آموزش دهی، به زیباشناختی بُعد فرهنگی نیز بر می‌انگیزد.

هنگامی که افراد از سیره امام جواد (ع) در این زمینه تعجب می‌کردند می‌فرمودند مگر نشنیده‌اید که پدرم علی بن موسی‌الرضا (ع) که درود خداوند بر او باد، همواره می‌فرمودند: «دانش‌های ما را فرا گیرید و به مردم یاد دهید؛ زیرا اگر مردم زیبایی سخن ما را بدانند، از ما پیروی می‌کنند».[97]

در سیره عملی امام جواد (ع) توجه به تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش تنها به این ابعاد منحصر نمی‌شد، بلکه حضرت با تشویق‌های پیاپی از شاگردان خویش و مورد تجلیل و تحسین قرار دادن مقام شامخ علمی‌شان با آن رتبه و درجه‌ای که خودشان دارا بودند، اعتراف می‌نمودند. از باب نمونه حضرت در نامه‌ای در ستایش «علی بن مهزیار» چنین می‌فرمایند:

... از خداوند متعال همواره آرزومندم تو را از خطر هر نیرنگ بازی تحت کفایت و عنایت خود قرار دهد ... خداوند تو را به بهشت مسرور گرداند و از تو خشنود باشد، به جهت خشنودی من از تو و من برای تو از پیشگاه الهی بخشش و عنایت آرزومندم ... ای علی! خداوند پاداشت را نیکو گرداند و تو را در بهشت خود سکنی دهد و از خواری در دنیا و آخرت نگاه دارد و نیز تو را با ما محشور سازد. ای علی! بارها تو را در خصوص خیرخواهی، اطاعت، خدمت، احترام کردن و انجام دادن وظایفت آزموده‌ام، لذا اگر بگویم شخصی همانند تو را- در بین یارانم- ندیده‌ام، هر آینه امید و باور دارم که

ص: ۳۳۴

به صداقت چنین سخنی گفته‌ام. بنابراین خداوند پاداش تو را سکونت در باغ‌های بهشتی قرار دهد و آگاه باش که جایگاهت و نیز خدماتی که گرما و سرما و شب و روز انجام داده‌ای بر من پوشیده نیست، لذا از خداوند مسئلت دارم به هنگام گردآمدن مردم در رستاخیز، تو را مورد رحمت ویژه قرار دهد تا شادمان شوی، زیرا خداوند شنونده دعاست.[98]

---

[96]. التوحید، ص ۱۱۰؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۹۵.

[97]. بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰.

[98]. اعلام الهدایه، ج ۱۱، ص ۲۰۴- ۲۰۱.

۵- ۳- ۲- قانون‌گرایی و پرهیز از قانون‌گریزی

از نظر عقلی، زندگی اجتماعی نیازمند قانون است و قانون وابسته به وجود کسی است که آن را وضع و اجرا کند. حال اگر بپذیریم که سیاست‌های موجود در حکومت نیاز ضروری بشر برای حاکم کردن قانون در جامعه است، «هدف حکومت»، بر «هدف قانون» انطباق می‌یابد و این سخن پذیرفتنی است که هدف حقوق، به تعبیری همان هدف دولت است.

امام جواد (ع) نیز «اجرای قانون خدا» را هدف حکومت اسلامی می‌داند و با شاهد گرفتن حق‌تعالی اعلام می‌کند که حاکم و سیاست‌مدار به انگیزه سلطه و ریاست نباید زمام امور را به دست گیرد؛ بلکه باید خود قانون‌گرا بوده و از قانون‌گریزی پرهیز نماید تا از این طریق، موازین الهی را بر پا و شرع را پاس بدارد و هر چیز را در جای خود نهد و حقوق افراد را به آنان برساند. زیرا قانون‌گرایی از ویژگی‌های نظام قانونی و پاسخ‌گو است و نظام اجتماعی مطلوب، نظامی است که دو اصل عدالت و تعاون در آن تجلی یابد. اصل تعاون، زمینه‌ساز هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است و اصل عدالت، تکاثر و افزون‌طلبی‌ها را مهار می‌کند.[۹۹]

بنابراین یکی دیگر از اهداف و آرمان‌های عالیه حکومت از دیدگاه جزءنگر به عنوان بخشی از چارچوب حاکم بر سیاست و حکومت در سیره امام جواد (ع) قانون‌گرایی و پرهیز از قانون‌گریزی است. همان عاملی که اجرای صحیح آن در عصر امام جواد (ع) به کم‌رنگ‌ترین حالت ممکن دیده می‌شد؛ زیرا در خصوص حاکم شدن این وضعیت از دیرباز بسیاری از مردم به دلیل اختلاف در رنگ،

ص: ۳۳۵

نژاد، زبان، قبیله، منطقه، ثروت، مقام و ... دچار تبعیض بودند و قانون هیچ‌گاه به شکل یک‌سان در مورد آنان اجرا نگردیده بود.

این امر در حالی است که امام جواد (ع) با وجود عدم تشکیل حکومت و تمامی اشکالات و خرده‌هایی که بر سن کم ایشان می‌گرفتند، همه مردم را در مقابل قانون یک‌سان می‌دیدند و معتقد بودند هرکس، هر گروه یا هر صاحب‌منصبی که

[۹۹] . اصول کافی، ج ۱، ص ۹۶.

از قانون‌گریز زند و جرم و خلافی را انجام دهد، باید بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌کاری سیاسی، اجتماعی وی را محاکمه نمود و جزای خلافش را به وی داد.۱۰۰

هم‌چنین در سیره حضرت جواد (ع) اگر حقوق مردم و سیاست‌مداران مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد و هریک بر دیگری اجحاف روا دارند، اختلاف پدید می‌آید، جور و ستم آشکار می‌گردد، فساد در دین راه می‌یابد۱۰۱ راه روشن سنت متروک می‌ماند، به هوا و هوس رفتار می‌شود و احکام تعطیل می‌شود، ازاین‌رو همواره می‌فرمودند:

من اطاع هواه، اعطی عدوه مناه؛

کسی که از هوای نفس خود، فرمان‌بری کند، به دشمن خود فرصت می‌دهد که به آرزوی دیرینه خود نائل گردد.۱۰۲

پس یکی از غایات حکومت اسلامی در سیره امام جواد (ع)، تنظیم حقوق شهروندان و دولت‌مردان، به‌گونه‌ای است که زمینه تحقق احکام الهی را با اجرای صحیح قانون و به عبارتی قانون‌گرایی و پرهیز از قانون‌گریزی بگسترد و بر این اساس با رعایت این حقوق، نه حکمی تعطیل گردد و نه فسادی در دین پدید آید و نه سنتی از سنن الهی بر زمین ماند. پس بدون تردید، بر اساس این سیره حکومتی که فقط به «همزیستی و بهزیستی» می‌اندیشند، از چنین دغدغه‌هایی فارغ هستند و در قبال «فساد و تحریف در دین و تعطیل احکام

ص: ۳۳۶

آن» احساس تکلیف نمی‌کنند و حقوق اجتماعی را بدون لحاظ دین و بقای آن می‌پذیرند.

بنابراین بر اساس سیره و اندیشه‌های امام جواد (ع)، قانون‌گذار واقعی دارای شرایط ذیل است:

الف) قانون‌گذار باید قبل از هر چیز یک انسان‌شناس کامل باشد و تمام اسرار وجودی، عواطف و خواسته‌های انسان و اصول حاکم بر روابط اجتماعی بشر را بداند.

---

[۱۰۰] . بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۲۲.

[۱۰۱] . الفصول المهمه، ص ۲۵۶.

[۱۰۲] . سفینه البحار، ص ۷۲۷.

ب) قانون‌گذار باید علم کافی داشته باشد، بستر ایجاد و پرورش قانون و راه‌های رسیدن به کمال نهایی انسان را به خوبی بداند و آثار قانون را در زندگی اجتماعی بشر به نیکی ارزیابی کند؛ زیرا وضع قانون در زمان حال بدون توجه به بنیادهای آن در گذشته و آثار آن در آینده کافی نیست.

ج) قانون‌گذار باید از صلاحیت اخلاقی بهره‌مند باشد، مرتکب خطا و اشتباه نشود، در عین مهربانی و دلسوزی قاطع و بااراده باشد تا مصالح جامعه را فدای خواسته‌های خود نکند.

د) قانون‌گذار صالح در وضع قانون، منافع شخصی خود را لحاظ نمی‌کند؛ زیرا منافع شخصی در هر حال در اندیشه و انگیزه او اثر می‌گذارد. اگر همت کند از تأثیر آگاهانه آن اجتناب کند از آثار ناخودآگاه آن امکان ندارد مصون بماند.

ه‍) قانون باید عملی، شفاف و دارای ضمانت اجرا باشد؛ یعنی قانون‌گذار باید قانون را بر مبنای مصالح واقعی و نفس الامری وضع کند؛ زیرا بدون پشتوانه نمی‌تواند به حال جامعه مفید باشد.

۴. راهبردها و راهکارها؛ سیره امام جواد (ع) و راهبردها و راهکارهای بایسته در سلوک سیاست‌مداران و حاکمان در جهت نیل به حکومت مطلوب

با مطالعه سیره امام جواد (ع) در باب سیاست و حکومت پیرامون چارچوب حاکم بر سیاست و حکومت، به زیبایی می‌توان در کنار ارکان و ویژگی‌ها، مختصات، قواعد، اهداف و آرمان‌ها به روش‌ها، راهبردها و راه‌کارهای

ص: ۳۳۷

حضرت (ع) به حاکمان و سیاست‌مداران جهت احاطه بر عملکرد خویش در راستای دست‌یابی به حکومت مطلوب پی برد. امام جواد (ع) در سیره خویش با ارائه خط‌مشی‌ها و جهت حرکت و تدبیر مدیریت، سیاست‌مداران را تنها نمی‌گذارند، بلکه ایشان را در احاطه کامل بر اوضاع و احوال جامعه به‌منظور تصمیم‌گیری صحیح و پیمودن مسیری شفاف، جهت هدایت بدون خطا یاری می‌رساند:

۱- ۴- نگاه‌های آخرت‌مدارانه به سیاست

در ورای حساب کشی‌ها و رفتارهای مدبرانه سیاسی که امام جواد (ع) در جامعه در سیره سیاسی خویش معتقد به سود جستن حاکمان و سیاست‌مداران از آن در هدایت جامعه بود، در نظر گرفتن افقی متفاوت از عملکرد سیاسی یک حاکم در روش حکومت‌داری است. در سیره سیاسی امام جواد (ع) این افق در هیاهوی تحولات روزمره جامعه تصویر

نمی‌شود؛ بلکه بازتابی است از این‌که سیاست‌مدار، افزون بر تدبیر منطقی امور دنیا باید نگاهی غایت‌مدارانه به آخرت و انعکاس عملکرد سیاسی خود در دار باقی اعمال دارد. به عبارت بهتر، درک رفتار سیاسی حاکم فقط در چارچوب مقتضیات سیاسی جامعه، کامل نیست و باید در تحلیل تصمیم‌گیری‌های وی، به انتخاب‌هایی که علایق ماورای طبیعی در آن‌ها نهفته است نیز توجه نماید. در سیره و اندیشه‌های امام جواد (ع)، بی‌گمان نیرنگ بازی و زورمداری از راهبردهای حاکم نیست که بتوان آن را خدایی یا انسانی دانست؛ از همین رو، امام از سیاست‌مداران می‌خواهد تا از پذیرش این شیوه‌ها سر باز زنند. به تعبیر دیگر، آنان در بینشی عمیق‌تر، آخرت را در پیوستگی با دنیا مطرح سازند. آخرتی که در اندیشه ایشان مطرح است، تداوم و بازتاب تحولاتی است که در دنیا شکل می‌گیرد. ازاین‌رو، پیوسته به حاکمان و سیاست‌مداران می‌فرمودند: «الدنیا سوق ربح فیها قوم و خسر آخرون».[۱۰۳]

از نگاه این بینش و سیره، نمی‌توان علایق و منافع آخرتی را در عملکرد سیاسی دخالت نداد؛ به همین جهت در سیره امام جواد (ع) نیرنگ از آن جهت مردود است که بازتاب آن در آخرت، رسوایی و عذاب است. همان‌گونه که امام علی (ع) نیز می‌فرمایند:

«لکل غادر لواء یعرف به یوم القیامه؛

روز قیامت برای هر نیرنگ بازی پرچمی است که با آن شناخته می‌شود».[۱۰۴]

۲- ۴- پایبندی به پیمان

بسیاری از سیاست‌مداران برای رسیدن به حکومت و قدرت، به مردم وعده‌های دروغ می‌دهند و از این راه مردم را می‌فریبند و به قدرت می‌رسند. همان‌گونه که عباسیان با استفاده ابزاری از دین چنین وانمود می‌کردند که برای رفاه و آسایش مردم همه تلاش خود را می‌کنند و در این راه به مردم وعده‌های بسیاری دادند، اما پس از چندی آشکار شد که خلفای این خاندان درصدد تحقق هیچ‌یک از وعده‌های خود نیستند. در واقع عملکرد عباسیان نه‌تنها برای عامه مردم منفعتی نداشت، بلکه به تدریج بر میزان خراج و بیگاری آنان نسبت به دوره‌های پیشین افزود.

---

[۱۰۳]. تحف العقول، ص ۵۷۴.

[۱۰۴]. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰.

در سیره امام جواد (ع) نیز عهدمداری، راست‌گویی و راست‌کرداری به عنوان یکی از راهبردهای مؤثر و بایسته برای حاکمان و سیاست‌مداران است که ضمانت‌های لازم را برای تداوم میان جامعه پدید می‌آورد. بنابراین، فارغ از ماهیت طرف مخاصمه، باید به عهدها و قراردادها پایبند ماند.

امام جواد (ع) در کلامی نافذ، اما به شکل تلویح و کنایه مبنی بر اجرایی نکردن قول‌ها و وعده‌های سیاست‌مداران عباسی پیش از رسیدن به حکومت اشاره دارد که «حتی مشرکان نیز در مناسبات و روابط اجتماعی خود، بر وفای به عهد پایبند بودند».۱۰۵ این تشبیه از آن جهت اهمیت دارد که مشرکان جاهلیت به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز، هر آن‌چه را به‌تنهایی برای پاشاندن جامعه کفایت

می‌کرد، به‌صورت کامل در محیط خود گِرد آورده بودند. فقری فلاکت‌بار، جهلی شعله‌خیز، سرزمینی انسان‌ستیز و جنایت‌هایی وحشت‌آور چون زنده به گور کردن دختران، فقط بخشی از واقعیت‌های دوران جاهلیت است؛ با این حال، آن‌چه به آنان اجتماع و ارتباط می‌بخشید، عهدمداری بود. وفای به عهد، واپسین خاکریز تداوم حیات اجتماعی مشرکان بوده است.

امام جواد (ع) با این تشبیه به بیان فلسفه عهدمداری برای سیاست‌مداران و حاکمان می‌پردازد؛ زیرا نادیده گرفتن این اصل اساسی در جامعه پیامدهای تلخی چون: پراکندگی، بی‌اعتمادی و بی‌هویتی را به دنبال خواهد داشت و در نهایت به سقوط و انحطاط حکومت‌ها، سیاست‌ها و تمدن‌ها منتهی خواهد گشت.

بدیهی است که بنابر سیره و اندیشه‌های امام جواد (ع)، نادیده گرفتن عهد- به ویژه پیمان‌های الهی- سبب خشم پروردگار و محرومیت از برکت‌های الهی برای همگان به ویژه سیاست‌مداران و حاکمان خواهد شد.۱۰۶

همان‌گونه که تاریخ گواه است بنی‌اسرائیل و اهل کتاب در اثر پیمان‌شکنی‌های پیاپی، خود را به زحمت افکندند و دچار نفرین و عذاب پروردگار گشتند. قرآن کریم نتیجه عهدشکنی یهود را این‌گونه بازگو می‌کند: «فَبِما نَقْضِهِمْ مِیثاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ ...؛ پس به سزای پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم».۱۰۷

---

[۱۰۵] . بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۱۰.

[۱۰۶] . اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۳.

۳- ۴- محوریت اخلاق در سیاست

مطالعه ادبیات سیاسی، گویای آن است که تحلیل و ارزیابی رابطه اخلاق با سیاست، در سه سطح انجام گرفته است:

الف) جدا بودن حوزه اخلاق از سیاست؛ شماری از دانشمندان دوره رنسانس، دیواری میان سیاست و اخلاق کشیده و معتقدند که هیچ‌گونه ترتب

ص: ۳۴۰

منطقی میان این دو برقرار نیست و هرکدام را حوزه‌ای جداگانه در کار است، دخالت هریک در حوزه دیگری نارواست. اگر رابطه محکمی را که میان مذهب و اخلاق برقرار است، در نظر بگیریم، جمله معروفی که پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، (کار قیصر را به قیصر و کار مسیح را به مسیح باید واگذاشت)، تفسیر خود را در چارچوب این دیدگاه، باز می‌یابد.

ب) اخلاق در خدمت سیاست؛ به گواهی تاریخ، رفتار سیاسی بسیاری از سیاست‌مداران بر محور استفاده ابزاری از اخلاق در مسیر دست‌یابی به اهداف سیاسی بوده است. برخی از متفکران، مانند ماکیاول این رفتار را تئوریزه کرده و به ترسیم افقی دست زدند که در آن می‌توان از اخلاق برای دست‌یابی به هدف‌های سیاسی بهره جست؛ بی‌آن‌که التزامی اخلاقی را در اهداف سیاسی روا دانست.

ج) سیاست با محوریت اخلاق؛ این دیدگاه از آن جهت که به اندیشه جدایی حوزه‌های اخلاق و سیاست تن نمی‌دهد، از دیدگاه اول و از آن روی که در تزاحم سیاست و اخلاق، اصالت را به اخلاق می‌بخشد، از دیدگاه دوم تمایز می‌یابد.

با مطالعه سیره و اندیشه سیاسی امام جواد (ع) می‌توان دیدگاه سوم را به صورت شفاف در قالب مبنای فلسفی گفتارها و رفتارهای حضرت در این رابطه و حتی توصیه به سیاست‌مداران و حاکمان آن را مشاهده کرد.

به‌گونه‌ای که مأمون به لحاظ ایمان به دارا بودن محوریت اخلاق در سیاست در سیره امام جواد (ع) دیگر به سراغ سپردن مسئولیت و ولایت‌عهدی و یا پست دولتی به امام هرگز دست نزد، بلکه این بار از طریق اصرار بر ازدواج دخترش با امام جواد (ع) اقدام نمود. وی به خوبی می‌دانست که امام جواد (ع) هم‌چون پدر بزرگوارشان از نیات او

---

[۱۰۷]. سوره مائده، آیه ۱۳.

آگاهی دارند.۱۰۸ هرچند امام جواد (ع) در دستگاه مأمون مقامی نداشتند، اما به شیعیان خود اجازه می‌دادند تا در دستگاه حکومت عباسی کار کنند و این بدان جهت بود که از ایشان می‌خواهند برخلاف اهداف

ص: ۳۴۱

عباسی که رنگی از اخلاق در آن مشاهده نمی‌شود، در تمامی برنامه‌ها محوریت اخلاق در سیاست را داشته باشند.۱۰۹

لذا آن‌چه اخلاق‌گرایی امام جواد (ع) را در سیاست تمایز می‌بخشد، این ویژگی است که رفتار و گفتار سیاسی او از دو سو، دل در گرو اخلاق داشت: از یکسو، اهدافی اخلاقی را پی می‌گرفت و از سوی دیگر، راه دست‌یابی به این اهداف را بر زیرساخت‌های اخلاقی تحکیم می‌بخشید. به سخن دیگر، هم هدف‌ها و هم روش‌های دست‌یابی به آن‌ها، ماهیتی اخلاقی داشتند. همان‌گونه که از سیره، اندیشه و رفتارهای پیش‌گفته از امام جواد (ع) به دست آمد، او کرامت‌های اخلاقی را در عمل به نمایش می‌گذاشت و از وسیله‌های غیراخلاقی، حتی برای هدف‌های اخلاقی بهره نمی‌گرفت.

با گرایش به این آموزه در سیره امام جواد (ع) در هدایت جامعه حاکم و سیاست‌مدار نباید تصور نمایند که با سطحی‌نگری برای رسیدن به هدف‌های اخلاقی می‌توانند گاه مسیری غیراخلاقی را بپیمایند؛ زیرا دست یازیدن به وسیله‌های غیراخلاقی، به فضای سیاست جوی ضداخلاقی می‌دهد. در نتیجه، نه‌تنها به تحکیم اخلاق کمکی نمی‌شود، که این فرآیند حتی به اخلاق گریزی نیز در جامعه شتاب خواهد بخشید. به دیگر سخن، سیاست‌مداران و حاکمانی که در روش‌های سیاستی خویش، مصلحت تحکیم و تثبیت هدف‌های اخلاقی را گاه در دست زدن به عمل‌های ضداخلاقی می‌جویند، خود به مروجان اخلاق‌گریزی تبدیل خواهند شد. از همین‌جا می‌توان دریافت که چرا در سیره و اندیشه امام جواد (ع)، با آن‌که اخلاقی کردن فضای سیاست را به مثابه هدفی متعالی می‌نگریست دست‌یابی به این هدف را با ابزار سوءظن سیاسی صلاح نمی‌دانست.

۴- ۴- توسعه زمینه‌های حق‌گرایی و خیرخواهی

امام جواد (ع) براساس مبانی توحیدی در اندیشه خود، اعتقاد داشت که

---

۱۰۸. تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۱۸۹.

۱۰۹. معجم الرجال، ج ۱۹، ص ۱۸۱- ۱۷۹.

ص: ۳۴۲

حاکم اسلامی در راهبردهای سیاستی خویش باید همواره به دنبال اموری باشد که نه‌تنها خود، بلکه کل جامعه را به سوی هدف اصلیِ خلقت و آفرینش انسان هدایت نماید؛ زیرا سعادت و انسانیت انسان در گرو پیروی از واقعیات عالم هستی و همسو شدن با نظام آفرینش است؛ نظامی که سنن و قوانین آن به طور یکسان بر همه جاری است و گذشت زمان در آن تغییری ایجاد نمی‌کند و تاریخ گذشتگان از نشانه‌ها و دلایل بارز آن است.

حضرت در این عرصه هم‌چون پدران خویش، به خوبی دریافته بود که سعادت انسان در گرو اطاعت از حقایق و دستوراتی است که در قالب شرایع حقیقی آسمانی نازل شده و کامل‌ترین آن‌ها در شریعت و دین اسلام تجسم یافته است. از این جهت، در سیره امام جواد (ع) گرایش به حق‌نگری و حفظ دستورات دینی، و از آن جمله خیرخواهی امت اسلامی و حتی اقلیت‌های دینی در روش سیاستی برای حاکمان از اولویت خاصی برخوردار بوده و مقدم بر همه‌چیز حتی تمایلات شخصی می‌باشد.

در اندیشه و سیره ایشان، سیاست‌مدار باید تمام فعالیت‌های سیاسی خویش را، زمینه‌ساز تحقق عینی این نوع گرایش‌ها بداند و اصولًا میزان معنی‌دار بودن فعالیت‌های وی به میزان گرایش‌های حق‌نگری و باطل‌زدایی برمی‌گردد. آموزه‌های آن بزرگوار در این زمینه برای همگان و به ویژه سیاست‌مداران و حاکمان نیز تأمل‌برانگیز است؛ زیرا در طول تاریخ نیز کم نبودند سیاست‌مدارانی که پیش از رسیدن به منصب سیاست، از حق‌گرایی و حق‌مداری و خیرخواهی انسان‌ها سخن می‌گفتند، اما وقتی که به قدرت می‌رسیدند، منافع شخصی و گروهی و مسلکی آنان با شعارهایشان رویاروی می‌شد، پس تأویل‌ها و توجیه‌ها، حق را به مسلخ می‌برد. همان‌گونه که جامعه عصر تَقَوی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و مردم از این وضعیت رنج می‌بردند.

تاریخ گواه است ایرانیان با روی کار آمدن خلفای بنی‌عباس چنین می‌پنداشتند که تسلط اعراب بر ایران خاتمه یافته است، اما خیلی زود

ص: ۳۴۳

دریافتند که پایه اجتماعی حکومت آنان در زمان خلفای بنی‌امیه پی‌ریزی و مستحکم شده است. دستگاه خلافت عباسیان گسترش روزافزونی داشت و چنان تشریفاتی شد که در هیچ‌یک از ادوار تاریخی اسلام مانندی نداشت. البته

بدیهی است که بار سنگین این هزینه‌ها بر دوش کشاورزان، کارگران و دیگر طبقات محروم و کم‌درآمد جامعه بود. «میزان دریافت مالیات از شهرهای ایران در دوران خلفای عباسی و فشار بسیاری که از این راه بر طبقات مالیات دِه- یعنی همان طبقات محروم- وارد می‌شد، بر نارضایتی آنان می‌افزود».۱۱۰

اما برخلاف در پیش گرفتن چنین سیاستی از سوی خاندان عباسی، امام جواد (ع) نیز هم‌چون پدر گرامی و اجداد مطهرشان در راه خدمت و حق‌گرایی و خیرخواهی نهایت تلاششان را در جامعه حق گریز آن روز به کار می‌بستند. چنان‌که آمده است: علی بن مهزیار، وکیل و نماینده امام جواد (ع) می‌گوید:

در سال ۲۲۰ قمری، از نظر اقتصادی فشار زیادی به شیعیان وارد گردید و حکومت اموال بسیاری از آنان را به عنوان مالیات مصادره کرد. در آن سال نامه‌ای به امام جواد (ع) نوشتم و این مشکلات را بیان کردم. امام در جواب فرمودند: «چون سلطان به شما ستم کرده است و شیعیان تحت‌فشار قرار دارند، امسال من خمس را فقط در طلا و نقره‌ای که سال بر آن گذشته است، واجب کردم. دیگر وسایل زندگی مانند: حیوانات، ظروف، سود سالیانه، باغ‌ها و کالاها خمس ندارد. این تخفیف از ناحیه من به شیعیان است تا فشار دستگاه حاکم آنان را مستأصل نکند».۱۱۱

از سویی دیگر، بی‌عدالتی‌ها و اندیشه متعصبانه برتری عرب بر عجم- که از سوی حکام بنی‌عباس بر ایرانیان اعمال می‌شد- بیش از پیش بر ناخشنودی آنان از بنی‌عباس که داعیه سیاست اسلامی را داشتند افزود و همین امر سبب شد که به تدریج قیام‌ها و شورش‌های متعددی در ولایات ایران به ویژه منطقه خراسان روی دهد. آیا در چنین وضعیتی با اعمال سیاست‌های غیراسلامی از

ص: ۳۴۴

سوی سیاست‌مداران و حاکمان عباسی در روش‌های سیاستی‌شان، می‌توان انتظار حق‌گرایی، حق‌مداری و خیرخواهی را در میان امت اسلامی داشت؟

۵- ۴- مشارکت مردم در شکل‌گیری و هدایت سیاسی جامعه

---

۱۱۰. ممتحن، نهضت صاحب الزنج، ص ۳۶.

۱۱۱. الاستبصار، ج ۴، ص ۶۰.

بهترین نظام‌ها و بزرگ‌ترین شخصیت‌ها در صورتی که به استبداد رأی روی آورند و از اصل مشاوره روی برگردانند، به‌طورقطع رو به نابودی خواهند نهاد و این حقیقتی است که آموزه‌های دینی بارها به آن اشاره و بلکه به آن تصریح کرده است: «هرکس استبداد رأی ورزد، نابود خواهد شد».۱۱۲ بر این اساس، اسلام به همگان سفارش می‌کند که اصل مشاوره را در زندگی خویش بکار گیرند و به آن عمل کنند: «من استقبل وجوه آلاراء عرف مواقع الخطاء؛ کسی که از افکار و آرای دیگران استقبال کند، موارد اشتباه و خطا را می‌شناسد».۱۱۳ بنابراین، یکی دیگر از راهبردها و راهکارهای ارائه شده در سیره امام جواد (ع) به سیاست‌مداران و حاکمان، پذیرش مشارکت مردم در شکل‌گیری و هدایت سیاسی جامعه است؛ زیرا از دیدگاه امام اجرای این اصل مساوی با عدم انحراف حاکم در طول دوران زمامداریش است. به عبارتی همراهی مردم با سیاست‌مدار و حاکم در فرامین و دستوراتی که صادر می‌کند، امکان کنترل و نظارت را میسر می‌سازد. این حوزه نیازمند ارتباط تنگاتنگ فکری و معنوی و محبت‌آمیز بین مردم و سیاست‌مداران است و اصولًا موفقیت و عدم موفقیت آنان به مقدار استحکام این نوع روش بستگی دارد. از این جهت اعمال این روش از سوی سیاست‌مدار و حاکم در سیره امام جواد (ع)، مردمی‌تر از دموکراسی‌های رایج در دنیا می‌باشد، زیرا با دل‌ها، افکار، احساسات، عقاید و نیازهای فکری مردم ارتباط دارد و سیاست‌مداران کاملًا در خدمت مردم هستند. در جنبه مادی، قدرت برای شخص سیاست‌مدار به عنوان یک طعمه و فرصت برای زراندوزی محسوب نمی‌گردد و اگر این ارتباط معنوی و هدایت الهی مورد غفلت و بی‌توجهی قرار

ص: ۳۴۵

گیرد اصلًا سیاست‌مدار، ولی شمرده نشده و ولایت نخواهد داشت. ولیِ خدا، ایجاد کننده زمینه لازم برای عبودیت الهی و نفی مظالم و گره‌های مادی و معنوی از زندگی مردم است و بین والی یا حاکم و مردم حقوقی متقابل است.

پس در سیاست مکتبی مطرح در سیره و اندیشه امام جواد (ع) شایسته است، سیاست‌مدار و حاکمان ضمن اولویت دادن به فرمان حق از مشاوره با خبرگان و همچنین مشورت‌های مردمی نیز غافل نباشد. این اندیشه حکم می‌کند که باید از نظریات مردم در برقراری شایسته‌تر سیاست‌های حق، سود جست.

---

[۱۱۲] . نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱.

[۱۱۳] . همان، حکمت ۱۷۳.

همان‌گونه که از دیدگاه امام جواد (ع)، پیامبراکرم (ص) پیش از شروع جنگ احد با یاران خود درباره چگونگی رویارویی با دشمن مشورت کرد. اکثر همراهان، رأی خود را بیان داشتند و معتقد بودند که اردوگاه، دامنه احد باشد و سرانجام هم مشاهده شد که این نظریه پایان رضایت بخشی نداشت. سپس بسیاری به این نتیجه رسیدند که در آینده رسول خدا (ص) با کسی مشورت نخواهد فرمود؛ اما قرآن کریم به عمل به مشورت تأکید دارد، هرچند نتیجه آن در برخی از موارد سودمند نباشد. زیرا در مجموع منافع این عمل از زیان‌هایش بیش‌تر است و تأثیری که در پرورش فرد و اجتماع و ارتقای شخصیت آن‌ها دارد قابل‌تصور نیست.

در فرمایشی امام جواد (ع) به نقل از رسول خدا (ص) پیرامون این مسأله فرمودند:

ما شقی عبد قط بمشوره و لا سعد باستغنا؛

هیچ‌کس هرگز بر اثر مشورت بدبخت و با استبداد رأی خوشبخت نشده است.۱۱۴

ایشان نیز در کلامی مشابه و هم‌سو با کلام رسول خدا (ص) فرمودند:

من عمل علی غیر علم افسد اکثر مما یصلح؛

ص: ۳۴۶

هرکس ناآگاهانه عمل کند (خودرأی باشد و بی‌مشورت)، فساد او بیش‌تر از صلاح و اصلاح خواهد بود».۱۱۵

هم‌چنین هنگامی که از ایشان تفسیر آیه «وَ شاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ» را پرسیدند ایشان اظهار داشتند: «طلب خیر و بهترین تدبیر را کردن در مشورت است».۱۱۶ پس توجه به سیره امام جواد (ع) در این خصوص، سیاست‌مدار و حاکم در جامعه اسلامی را به چهار اصل هدایت می‌کند:

۱. دوری از اعمال فشار و توسل به زور؛

۲. دوری از استبداد رأی توسط حاکم و کارگزار در جامعه؛

---

[۱۱۴] . بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۴۳.

[۱۱۵] . منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۲۸؛ مستنبط القطره، ج ۲، ص ۳۳۴.

[۱۱۶] . سمرقندی عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵.

۳. محبت و مهرورزی به انسان‌ها؛

۴. حفظ اصل کرامت انسانی.

۶- ۴- هدایت‌گری در عین قاطعیت با مخالفین

در چارچوب حاکم بر سیاست و حکومت در سیره امام جواد (ع) در بُعد راهبردها و راه‌کارها برای سیاست‌مدار و حاکم، رویارویی با مخالفین از یک ماهیت هدایت‌گرایانه برخوردار است وی (سیاست‌مدار) باید ضمن این‌که از یک روشن‌گری حقیقی برخوردار است و مسیرهای انحرافی را تشخیص می‌دهد، در عین حال اصل هدایت و ارشاد انسان‌ها را در سیاست‌های حکومتی خویش فراموش ننماید و هر حرکتی را برای مقابله با آن‌ها اتخاذ نماید، تنها به جهت رهایی آن‌ها از تاریکی‌ها و بدبختی‌های ناشی از انحرافات موجود باشد. محقق شدن این امر در حکومت مبتنی بر دو اصل گفت‌گو و مباحثه و احتجاج است. این مرحله از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مراحل مواجهه سیاست‌مداران با مخالفین و دشمنان است و تا زمانی که طرف مقابل دست به شمشیر نبرده و راه جنگ و ستیز را بر راه‌های مسالمت‌آمیز ترجیح نمی‌دهد، قائل به گفت‌گو، مذاکره و بعضاً مناظره با اوست.

همان‌گونه که امام جواد (ع) با وجود آن‌که هیچ‌گونه سمت و پُست حکومتی

ص: ۳۴۷

نداشت، اما به عنوان رهبر الهی و در نهایت کم سن و سالی با بهره جستن از اصل هدایت‌گری در عین قاطعیت در تمامی مناظرات و مباحثاتی که از سوی حکومت ترتیب داده می‌شد، شرکت می‌نمود و در هریک از این جلسات مناظره پیروز و سربلند بیرون می‌آمدند.۱۱۷

نکته حائز اهمیت در این زمینه این است که نوع برخوردهای امام جواد (ع) با مخالفین و پیروزی ایشان در تمامی مناظرات و مجالس بحث و گفتگو، بدون ورود ایشان در مغالطات جدلی یا بنا نهادن آن‌ها مبتنی بر روشی خشونت‌آمیز و غیراخلاقی بود؛ به‌گونه‌ای که در پایان هریک از این جلسات به لحاظ برخوردهای رأفت‌آمیز ایشان بسیاری از افراد

[۱۱۷] . شیخ طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۲۰۰؛ تاریخ بیهقی، ج ۲، ص ۴۷۲؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۷؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۷۶-۷۵؛ بخاری، صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۵۶؛ صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۱۶.

لب به تصدیق و تحسین ایشان می‌گشودند و چه‌بسا به دین اسلام گرایش پیدا می‌کردند.۱۱۸ رفتار امام جواد (ع) به واقع همان اصلی است که خداوند به موسی و هارون در رابطه با فرعون توصیه نمود: «فَقُولا لَهُ قَوْلًا لَیِّناً لَعَلَّهُ یَتَذَکَّرُ أَوْ یَخْشی».۱۱۹

۷- ۴- تلاش برای هم‌دلی و وحدت جامعه

تلاش برای همدلی و وحدت مردم، یکی دیگر از راهبردها و راه‌کارهای مهم در سیره امام جواد (ع) پیرامون حاکمان و سیاست‌مداران در سطح جامعه است. زیرا مردم، در جامعه‌ای که از وحدت برخوردار باشد، هم با خود و هم با نظام سیاسی حاکم بر کشور، احساس هم‌بستگی بیش‌تری می‌کنند و به موقع، در دفاع از مصالح و منافع عمومی، واکنش نشان می‌دهند و تهدیدها را دفع می‌کنند و در نتیجه از امنیت که حق طبیعی هر جامعه است، برخوردار می‌گردند.

تاریخ نشان داده است که قدرت دفاعی ملت، در برابر هرگونه تهدیدی، با وحدت آن‌ها رابطه‌ای نزدیک و تنگاتنگ دارد. نمونه عینی و تاریخی این

ص: ۳۴۸

واقعیت، جامعه اسلامی در صدر اسلام است ک چون وحدت از آن جامعه رخت بربست، سایه شوم ناامنی بر آن جامعه گسترده شد و هیچ‌کس در درون آن جامعه، در امنیت نبود اما آن‌گاه که با دمیدن روح ایمان، وحدت به جامعه برگشت، نه‌تنها امنیت داخلی مسلمانان حفظ شد که امنیت مرزهای آنان نیز تأمین گشت. چنان‌که در سیره و اندیشه‌های امام جواد (ع) نیز با استعانت از کلام نبوی در باب اهمیت تلاش یک سیاست‌مدار و کارگزار جهت همدلی و وحدت چنین تبیین شده است:

بهترین حاکمان و فرمان‌روایان کسانی هستند که استعداد و سلیقه‌های گوناگون را زیر چتر مدیریت گِرد آورند و بدترین مدیران کسانی هستند که مجموعه هم‌سو و هماهنگ را متفرق سازند.۱۲۰

[118]. بحارالانوار، ج ۵۰، صص ۷۶- ۷۵؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۷.

[119]. سوره طه، آیه ۴۴.

[120]. نکات مؤثر در مدیریت کارآمد، ص ۱۸۰.

در سیره و دیدگاه امام جواد (ع) وجود اندیشه‌ها، گرایش‌ها و جریان‌های مختلف در جامعه امری طبیعی است و تصور وحدت در اندیشه‌ها و آرمان‌ها در همه قشرهای جامعه و همه لایه‌های اجتماع تصوری بس نادرست و غیرواقعی است. ازاین‌رو، در سیره حضرت نقطه اتصال جریان‌های موجود در جامعه، رهبر و پیشوا و سیاست‌مدار و حاکم اسلامی است و سیاست‌مدار به‌عنوان محوریت امور، برای رهانیدن جامعه ازتفرقه باید راهبردهای وحدت‌آفرین را بجوید و در ضمن همراهی جریان‌ها، گروه‌ها و دارندگان اندیشه‌های مختلف در ضمن تأکید بر تأکید بر تکثر اندیشه‌های آن‌ها در هم‌سویی آرمان‌های والا بکوشد.

نتیجه

سیاست و حکومت در سیره امام جواد (ع) در این نوشتار بررسی شد. یافته‌های مهم و اصلی این پژوهش، سبک و سیره امام جواد (ع)، با وجود عدم تشکیل حکومت و دست‌رسی نداشتن به مناصب و پست دولتی، سیاست و حکومت به معنای تأمین مصالح و تدبیر امور اجتماعی است. ازاین‌رو،

ص: ۳۴۹

این مسأله نه قدرت است و نه ابزاری برای نیل به اهداف مادی گرایانه و نه وسیله‌ای جهت به بردگی کشیدن، حبس نمودن، ارعاب، تهدید و توهین به شخصیت حقیقی و حقوقی مردم و ایجاد زحمات و صدمات غیرقابل‌جبران برای آنان، بلکه مدیریت در راستای سعادت و هدایت بشر به منظور ایجاد و استواری ارزش‌های انسانی و الهی است.

به‌واقع سیاست و حکومت در سیره امام جواد (ع)، سیاستی ایمانی در حکومت است که تاروپود آن را باورهای اسلامی تشکیل داده‌اند و در حقیقت سیاستی توحید بنیان در رأس امور حکومت است که از ایمان به خدای یگانه آغاز می‌شود و قطعاً لوازم و نتایج آن نیز با چنین نگاهی، به سایر بخش‌های بود و نمود می‌یابد. به تعبیر دیگر سیاست و حکومت در این سیره، مایه و هویتی بر بنیاد ایمان است و اصالت داشتن دین در اعماق آن نفوذ کرده است؛ چنان‌که اگر با کمی دقت به آن نگاه شود، این تدابیر حکیمانه در بُعد سیاست و حکومت همه انسان‌ها را در هر مکان و زمانی مخاطب خود قرار می‌دهد و افراد را به اقلیم جغرافیایی، نژاد و رنگ خاصی محدود نمی‌نماید و آفاق و گستره موجود در آن در عرصه عمل، به هیچ مرحله تاریخی ختم نمی‌شود، پس قطعاً دست‌آوردهای آن نیز در انحصار فرد یا اجتماع خاصی نبوده و نخواهد بود و همگان می‌توانند از ثمرات ارزشمند چنین آموزه‌های ناب و اصیلی بهره‌مند شوند، ضمن این‌که مبنای مهم

چنین سیاستی باور به این نکته کلیدی و مؤثر است که انسان مهم‌ترین آفریده خداست و تمام فعالیت‌ها در عرصه کره خاکی باید برای سعادت و رفاه او صورت گیرد.

به یقین سیاست و حکومت در سیره امام جواد (ع)، سیاست متوازنی در حکومت است که میان جنبه‌های معنوی و امور مادی تعادلی در خور توجه را برقرار می‌سازد و پرهیز از هرگونه افراطوتفریط، مبالغه‌های نامعقول و ناحق و اموری از این دست، همه آن مسائلی است که در لایه‌های وجودی این امور مشاهده می‌شود؛ زیرا اتخاذ چنین سیاستی در این حکومت (سیره حکومتی

ص: ۳۵۰

امام جواد) حیات خود را وامدار دین می‌داند و در نتیجه بقا و دوام خود را نیز به دوام و استمرار دین اسلام می‌داند.

بنابراین، حکومتی با چنین سیاستی توحیدی با چنین مصالح و زیربنایی ناگفته پیداست که نه محکوم به ناپایداری است و نه زوال و موقتی بودن در آن صدق نخواهد کرد، لذا از پویایی و ماندگاری قابل‌توجهی برخوردار است.

به حق چارچوب حاکم بر سیاست و حکومت در سیره امام جواد (ع)- هرچند ایشان حکومتی تشکیل ندادند و صاحب‌منصب و پستی نیز نبودند- بهترین گواه بر اثبات تمامی مطالب یاد شده است، زیرا حضرت با ارائه ارکان و ویژگی‌هایی در منظومه فکریشان برای سیاست‌مداران چون: معرفت خدا، صراحت و صداقت، انتقادپذیری و ساده زیستی، به‌واقع تمامی دولت‌مردان دنیاطلب، خودسر، دروغ‌گو و متحجر و از آن جمله سیاست‌مداران و حکام عباسی را به چالش می‌کشد و با سیره و سلوک توحیدی خویش به آنان اثبات می‌نماید که شما به هیچ دین یا مسلکی در حکومت‌داری‌تان پایبند نیستید و همه آنچه را که در حکومت خویش با اتخاذ سیاست‌های مزورانه به نام دین اسلام انجام می‌دهید، تنها بر اساس منافع سیاسی‌تان است و سیاست دینی شما نیز نوعی دیانت سیاسی است؛ به واقع نیز سیره امام جواد (ع) در باب سیاست و حکومت کاملًا مؤید غیر اسلامی بودن حکومت ظالمانه عباسیان بود، زیرا سیاست‌های به‌کار گرفته‌شده در پایه‌های حکومت آنان (عباسیان) از مختصات و قواعدی برخوردار بود که به هیچ روی در عملکرد آنان (عباسیان) مشاهده نمی‌شد.

سیره امام جواد (ع) پیرامون چارچوب حاکم بر سیاست و حکومت، تنها به ارکان و ویژگی و مختصات و قواعد منحصر نمی‌شود، بلکه الگوی حاکم بر سیره ایشان در باب سیاست و حکومت از آن‌جا که متمایز با جهان‌بینی غیر اسلامی در

تمامی سیاست‌هاست، لزوم اهداف و آرمان‌هایی که ازدونگاه کل‌نگر و جزءنگر برای مطلوبیت حکومت قوام یافته است را نیز برای انسجام فعل

ص: ۳۵۱

سیاست و حکومت مطلوب و مدنظر در سیره خویش معرفی می‌نمایند، اهداف و آرمان‌هایی که اگر درست و به جا و اصولی اجرا و پیاده شوند، نویدبخش جامعه آرمانی است که خداوند متعال وعده تحقق آن را بر روی زمین به همگان داده است.۱۲۱ جامعه‌ای که افراد در مسیر سعادت و کمال حقیقی خود گام می‌زنند و تلاش و کوشش می‌کنند و به عبارت دیگر، به هدف اصلی و نهایی که از تکون هر جامعه مطلوب با راهبردهای سیاست توحیدی است، نائل می‌آیند و به زیبایی روشن‌ترین بامداد زندگی آینده بشر را حس و لمس می‌کنند.

سیره و اندیشه‌های امام جواد (ع) پیرامون سیاست و حکومت برای تحقق چنین جامعه‌ای دولت‌مردان و سیاست‌مداران و حاکمان را تنها نمی‌گذارد، بلکه بال‌هایی از دانش تجربی را در فضای تفکر فلسفی نشأت‌گرفته از اسلام با عنوان راهبردها و راه‌کارها فراروی آنان قرار داده و می‌کوشد تا در عینیت بخشیدن جامعه آرمانی اسلامی آنان را یاری رساند.

ص: ۳۵۲

منابع

قرآن کریم.

ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح: علی شیری، نشردارالاحیاء التراث العربی، بی‌جا، ۱۴۰۸ ق.

ابن زکریا، ابوالحسین احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، تحقیق: عبدالسلام محمدهارون، نشر حلبی، بی‌جا، ۱۳۸۹ ق.

ابن مالک اندلسی، جمال‌الدین محمد بن عبدالله، الفیه ابن مالک فی النحو و الصرف، نشر دارالکتب المصریه، بی‌جا، ۱۳۴۸ ق.

ابن شعبه حرانی، ابومحمدالحسن بن علی بن الحسین، تحف العقول عن آل الرسول، نشر مکتب بصیرتی، قم، ۱۹۴۰ ق.

[۱۲۱]. سوره نور، آیه ۵۵.

ابن‌بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الامالی، نشر مؤسسه اعلمی مطبوعات، بی‌جا، ۱۴۰۰ ق.

، عیون اخبارالرضا، نشر صدرا، تهران، ۱۳۷۲ ش.

، التوحید، تصحیح: هاشم تهرانی، نشر مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۸ ق.

ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر، تاریخ الیعقوبی، نشر دارصادر، بی‌جا، بی‌تا.

بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: محمدباقر محمودی، نشر اعلمی مطبوعات، بی‌جا، ۱۳۹۴ ق.

بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۷ ش.

باربیه، موریس، دین و سیاست در اندیشه مدرن، ترجمه: امیر رضایی، نشر قصیده‌سرا، تهران، ۱۳۸۴ ش.

برسفورفاستر، مایکل، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه: جواد شیخ‌الاسلامی، نشر علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ ش.

ص: ۳۵۳

جعفری، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، نشر دفتر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ ش.

جهان بزرگی، احمد، اصول سیاست و حکومت، نشر پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش.

جاسم، حسین، تاریخ سیاسی غیبت دوازدهم، ترجمه: سید محمدتقی آیت‌اللهی، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷ ش.

حشمت زاده، محمدباقر، مسائل اساسی علم سیاست، نشر کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۷۷ ش.

حسنی، علی‌اکبر، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، نشر مؤسسه چاپ، تهران، ۱۳۷۸ ش.

حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، نشر دارالمعرفه، بی‌جا، بی‌تا.

خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ بغداد (مدینه السلام)، نشر دارالکتب العلمیه، بی‌جا، بی‌تا.

دوورژه، موریس، اصول علم سیاست، ترجمه: ابوالفضل قاضی، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹ ش.

دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، نشر سازمان لغت‌نامه دهخدا، تهران، ۱۳۵۲ ش.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق و ضبط: محمدسیدکیلانی، نشر دارالمعرفه، بی‌جا، بی‌تا.

زمخشری، جارالله محمود بن عمر، اساس البلاغه، تحقیق: عبدالرحیم محمود، نشر دارالمعرفه، بی‌جا، بی‌تا.

سابایان، جرج، تاریخ نظریات سیاسی، ترجمه: بهاءالدین پازارگاد، نشر امیرکبیر با همکاری انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۴۹ ش.

سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.

ص: ۳۵۴

سمرقندی عیاشی، ابوالنضر محمد بن مسعود بن عیاش السلمی، تفسیر العیاشی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، نشر مکتبه المحلاتی، تهران، بی‌تا.

شیرازی، محمد بن ابراهیم، الشواهد ربوبیه، اهتمام: جلال‌الدین آشتیانی، نشر مرکز دانشگاهی، تهران، بی‌تا.

طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، نشر مکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۶۵ ش.

طقوش، محمدسهیل، دولت عباسیان، ترجمه: حجت‌الله جودکی، نشر فرهنگ، تهران، ۱۳۷۵ ش.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، نشر دارالمعارف، بی‌جا، ۱۹۷۹ م.

طبرسی، ابوعلی محمد بن فضل بن الحسین، اعلام الوری باعلام الهدی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، نشر دارالمعرفه، بی جا، ۱۳۹۹ ق.

طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابیطالب، الاحتجاج علی اهل اللجاج، نشر مرتضوی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، نشر اسماعیلیان، تهران، بی‌تا.

طوسی، ابوجعفرمحمدبن الحسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ ش.

عنایت، حمید، بنیاد فلسفه سیاسی غرب، نشر زمستان، تهران، ۱۳۷۷ ش.

عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، نشر نی، تهران، ۱۳۷۳ ش.

علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰ ش.

فیرحی، داود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت)، قم، ۱۳۸۳ ش.

فراهیدی، ابوعبدالرحمن الخلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی المخزومی، نشر مؤسسه دارالهجره، قم، ۱۴۰۵ ق.

ص: ۳۵۵

قشیری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، شرح: النوی، نشر دارالکتاب العربی، بی‌جا، ۱۴۰۷ ق.

قمی، عباس بن محمدرضا، منتهی الامال، نشر جاویدان، تهران، بی‌تا.

، سفینه البحار و مدینه الحکم و آلاثار، نشر فراهانی، تهران، بی‌تا.

کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۳ ش.

کوئین، آنتونی، فلسفه اساسی، ترجمه: مرتضی اسعدی، نشر الهدی، بی‌جا، ۱۳۷۵ ش.

ممتحن، حسین علی، نهضت صاحب الزنج، نشر دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ۱۳۶۶ ش.

منتظرالقائم، اصغر، تاریخ امامت، نشرمعارف، قم، ۱۳۸۴ ش.

متقی هندی، علاءالدین بن حسام‌الدین، کنزالعمال فی الاحادیث الاقوال و الافعال، نشر مؤسسه رساله، بی‌جا، ۱۴۰۹ ق.

محمدی ری‌شهری، محمدمهدی، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا سیفی، نشردارالحدیث، قم، ۱۳۷۷ ش.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، نشر حیاه الرضا، تهران، ۱۳۷۱ ش.[122]

ص: ۳۵۶

[122] همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام (۱۳۹۵: قم)، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام، ۳جلد، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۵ ه.ش.

مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، نشرداراندلس، بی‌جا، بی‌تا.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰ ش.

مقرّم، سید عبدالرزاق، نگاهی گذرا بر زندگانی امام جواد (ع)، ترجمه: دکتر پرویز لولاور، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰ ش.

نهج‌البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، نشر مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، تهران، ۱۳۷۵ ش.

ناصری داودی، عبدالمجید، تشیع در خراسان در عهد تیموریان، نشر آستان

ص: ۳۵۷

قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸ ش.

نجاشی، ابوالعباس احمدبن علی بن العباس، الرجال النجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)، نشرمکتبه الداوری، قم، ۱۳۹۷ ق.

ولوی، علی‌محمد، تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، نشر بعثت، تهران، ۱۳۶۷ ش.

همیلتون، ملکم، جامعه‌شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، نشر مؤسسه فرهنگی تبیان، تهران، ۱۳۸۱ ش.[۱۲۳]

ص: ۳۵۸

[۱۲۳] همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام (۱۳۹۵: قم)، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام، ۳جلد، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۵ ه.ش.